

برای مقابله با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا باید سرعت در تمام جهات آماده شد

مادر جنگ هستیم. این سخن آقای بنی‌صدر درست است. ما با امپریالیسم آمریکا در جنگ هستیم. بردها در این جنگ پیروزی انقلاب است. باخت مادر آن شکست انقلاب خواهد بود. مادر این جنگ با انواع توطئه گریهای امپریالیسم آمریکا، دست - نشانگان و عمالش رو برو خواهیم شد. مادر تمام جهات برای مقابله و خنثی کردن این توطئه ها باید سرعت آماده شویم.

دشمن در پشت جبهه مادرای پایگاه اقتصادی - اجتماعی و نیز دارای «ستون پنجم» است. ما این پایگاه را باید بکوبیم و این ستون پنجم را متلاشی کنیم. پایگاه اقتصادی - اجتماعی دشمن، مؤسسات صنعتی و کشاورزی و بازرگانی و مالی وابسته به سرمایه امپریالیستی است. این مؤسسات را باید بکوبیم.

مجلس کرد. «ستون پنجم» دشمن متشکل از بازمانندگان سازمان جهنمی ساواک، سازمان ضد اطلاعات ارتش، گروههای متشکل تروریستی و خرابکار است. فهرست

نام‌ها و اکیهارا باید بی‌درنگ انتشار داد. یکمک توده‌های مردم از فعالیت آنها سرعت و شدت جلو گرفت. عمال فعال ساواک منحل را دستگیر کرد. سازمان اطلاعات

ارتش - شعبه خرابکاری و جاسوسی پنتاگون در ارتش - دامنحل کرد. این کارخانه خرابکاری ضد انقلابی در ارتش را در هم کوبید. با سیج بقیه در صفحه ۲



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۹۳ پنجشنبه ۲۴ آبان ۱۳۵۸ - ۱۳۵۸ شماره ۱۰ ریال

کالای آمریکائی نخریم!

اکنون که دو جبهه در برابر هم کشوده شده است، آمریکا می‌خواهد با تحریم خرید نفت ما، با دعوت دیگر کشورها به شرکت در این تحریم، با تهدید به محاصره اقتصادی، با قطع کمک‌های مالی و نظامی، که گویا ما دریافت می‌کردیم، با جبهه نبرد علیه امپریالیسم آمریکا اکنون مرزهای خود را روشن و مشخص کرده است. پناه دادن به شاه جنایتکار، آن چرخه‌ای بود که تمامی خشم و کین مردم را علیه این دشمن غدار آزادی و استقلال ما شعله و رساخت.

هزاران کارگر، با اجتماع در مقابل لانه جاسوسی آمریکا اعلام کردند:

امریکا نمیتواند با ملت و کارگران مبارز ایران مبارزه کند

قطعنامه کارگران: به مبارزه ادامه میدهم تا پیروز شویم و پیروز هم خواهیم شد، زیرا در راه بیشتر پیش روی خود نداریم: موفقیت و تحکیم استقلال خویش و یا شهادت...



کارگران تهران آمادگی خود را برای مقابله با محاصره اقتصادی امپریالیسم آمریکا اعلام می‌دارند (صفحه ۶)

اطلاعه‌د بیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به زلزله زدگان خراسان کمک کنید!

زلزله‌ای که دیروز در چند نقطه از خراسان، بویژه در قائن و اطراف آن روی داده خسارات مالی و جانی فراوانی به بار آورده است. ما با تأثر عمیق از این حادثه ناگوار، به بازمانندگان هموطنانی که بر اثر زلزله جان خود را از دست داده‌اند، صمیمانه تسلیت می‌گوییم. ما از شورای انقلاب و مقامات مسئول می‌طلبیم که در عین کمک فوری به زلزله زدگان، با توجه به اینکه این منطقه زلزله خیز است، از هم اکنون تدابیر اساسی و درازمدت اتخاذ کنند تا در صورت وقوع چنین حوادث طبیعی، مردم از آسیب مصون بمانند.

ما از همه اعضا و هواداران حزب در خراسان می‌طلبیم که با تمام نیرو و وسایلی که در دسترس شماست به زلزله زدگان کمک کنید.

دیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸

حزب کمونیست ویتنام از خواست مردم ایران در مورد استرداد شاه مخلوع حمایت می‌کند

روزنامه نهمان‌دان، ارگان حزب کمونیست ویتنام، ضمن تهنیتی خواست مردم ایران را در مورد استرداد شاه مخلوع بر حق دانسته و پشتیبانی کامل خود را از این خواست مردم ایران اعلام کرده است.

تصمیم شورای انقلاب به منع ورود کشتی‌ها و ناوهای آمریکائی به داخل مرزهای دریائی و منع ورود هواپیماهای آمریکائی به فضای ایران، نه تنها به عنوان واکنشی نسبت به اقدام خودداری از بازگویی کالابمقصد ایران و خودداری

از پذیرش و سرویس هواپیماهای شرکت هواپیمائی ایران، بلکه به خاطر پیش‌گیری از عملیات توطئه‌گرانه و تهدید نظامی آمریکا، اقدامی بموقع و ضروری است. از مدتها پیش منابع رسمی آمریکائی تأیید کرده‌اند که یک

بستن مرزهای هوائی و دریائی ایران به روی آمریکا اقدامی است بموقع و ضرور

نیروی صدوده هزار نفری «واکنش سریع» برای فرودناگهائی و اشغال مناطق درخلیج فارس آماده شده است. این نیرو وظیفه دادوستد مناطق معینی را بعنوان «سرل» برای عملیات تجاوزی نظامی گسترده‌تری اشغال کند. ناکفته پیداست که هدف ایران است، کشوری که در دوران شاه خائن عملاً در تصرف آمریکا بوده و پس از انقلاب از چنگ دژاندازم بین‌المللی بدرآمده.

امکن عمل نیروی «واکنش سریع» خودنیاژمتند و وجود پایگاه‌های در منطقه از نظر نظامی است. پنتاگون تا حدودی این پایگاه‌ها را در اختیار داشت، ولی پس از پیروزی انقلاب در ایران به تحکیم و توسعه آنها پرداخت. برای استقرار

هزار نفر تفنگدار دریائی در شارجه «اجازه» گرفت. حضور نظامی خود را در مسیر تقویت کرد. برای پیوستن به نیروی دریائی خود در پایگاه بحرین، رزمناو موسوم به «الوین» و ناوشکن موسوم به «بیکت» را که، مجهز به موشک‌های

هدایت شونده است، اعزام داشت. کشتی حمل و نقل نظامی موسوم به «کلور» را به آبهای کراچی فرستاد. ناو هواپیما بر ۶۴-هزار تنی موسوم به «میدوی» را، که حامل ۷۵ جنگنده از نوع اف-۱۴ بقیه در صفحه ۲

آمریکا باید شاه مخلوع را به ایران تحویل دهد

آقای عصبانی!
کی سینجر، دوست قدیمی شاه مخلوع رسماً اعلام کرده است که خشمگین است!
صفحه ۲

در صفحات بعد:
حزب کمونیست فرانسه از مردم ایران پشتیبانی میکند
صفحه ۳
باید راه بازگشت دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا را به میهن گشود
صفحه ۴

پشتیبانی نویسنده‌گان متعهد از مشی ضد-امپریالیستی و خلقی امام خمینی
صفحه ۴
پشتیبانی وسیع توده‌های زحمتکش از اقدامات ضد امپریالیستی امام خمینی، نشانه‌ای است از عزم راسخ زحمت‌کشان در نابود کردن امپریالیسم
صفحه ۶

ماتئونیست‌ها در مقابل لانه جاسوسی آمریکا مفتضح شدند
صفحه ۲
مصاحبه مطبوعاتی سرپرست وزارت امور خارجه
صفحه ۶

مراسم بزرگداشت افسران شهید توده‌ای در آبادان
صفحه ۵

آقای عصبانی!

کمیته فراموش کرده اند که این جریان قبل از آنکه در ایران رخ دهد، با وسعت بیشتری، در ویتمام صورت گرفت و بعد آن کسی که تشبه شد و گوش را مالیدند، خود جناب ایشان بودند و همان امریالیسم امریکا، که امر و زخم ضرب شستی از خلق قهرمان ایران نوش جان میکند، تا باد چنین باد!

اما موارد خشم آقای کیسینجر همینها محدود نمیشود. یک نکته بار دیگر از موم (۱) هست، که چکر آقای کیسینجر را سخت کباب کرده است. بهتر است آنرا از زبان خود ایشان نقل کنیم: «... هر چه باشد، می بینم کسی کاری به دیپلماتهای شوروی ندارد و از اینجا شاید چیزی از حیثیت نسبی این دو کشور آمریکا و شوروی در نقاط مختلف جهان دستگیرمان شود.»

حق، کاملاً با شماست آقای کیسینجر! ولی آیا از خود پرسیده اید که این بی حیثیتی آمریکاداران نظر مردم جهان از کجا پیدا شده است؟ طرح موضوع از جانب شما نشان میدهد که گویا مسئله برایتان روشن نیست، در حالیکه جریان خیلی واضح است. ببینید آقای کیسینجر!

حتماً میدانید که بمسئله ای مثل معروف زبان فارسی، «کیوت با کیوت بازا بازا» و گانگستر با گانگستر با قاتل با قاتل، «کند هم چس با هم چس»، عده می و همدلی و هم پیمانی.

حال نگاهی گذرا به تاریخ بیفکیم، با ذکر چند نمونه تا ببینیم دوستان هم پیمان شما چه کسانی بوده و چه کسانی هستند؟ و از آنجایی که اتحاد شوروی یا رویاوار چه کسانی بوده و هست.

درویشان، شما و آن تیر را با یک کودتا پس کار آوردید و تا پایان با تمام نیروی قدرتی که داشتید از جنابانتان علیه خلق ویتمام نه تنها پشتیبانی کردید، بلکه خود در انجام آن سهم بودید و آنرا رهبری هم میکردید. و در مقابل اتحاد شوروی دست هوشی من، مرد بر گردید خلق را فشرده و تا پایان، با تمام نیرو در تمام عرصه ها، به جنبش خلق ویتمام کمک کرد.

در کشور شما موسی چه را علم کردید، و اتحاد شوروی از شهید پانزیس لومومبا حمایت کرد و یکی از بزرگترین دانشگاههای جهان را نیز در مسکو نام این رهبر ضدامریالیست خلقهای آفریقا نامید.

در کوبا، شما با باتیستا، دیکتاتور فاسد نرد عشق باختید، و اتحاد شوروی با کاسترو، نماینده خلق کوبا، میثاق دوستی بست.

در شیلی، اتحاد شوروی از آلنده، نماینده منتخبت مردم، جانبداری کرد و شما او را ساقط کردید. شما بیوشه قصاب خلق شیلی را پس کار آوردید، و اتحاد شوروی با تمام امکانات خود بیاری خلق شیلی شتافت.

در مصر، شاملک حسن دوم پادشاه مراکش را علیه مردم صحرا مسلح میکنید، و اتحاد شوروی جنبش آزادی بخش پلساریورا تأیید میکند.

در فلسطین، شما سهویستهای متجاوز را تا دندان، علیه خلقهای ستمدیده عرب و یوز، خلق فلسطین مسلح کرده اید و اتحاد شوروی کمک به فلسطینیها را از اقام وظایف بین المللی خود میسرند.

در ایران، شما محمد زهای مخلوق را بن تخت نشاندید تا برای حفظ منافع شما دهها هزار نفر را بقتل رساند و هنوز هم این جنایتکار در در کف حمایت خود گرفته اید، و اتحاد شوروی خود را یار و یاور انقلاب ایران و رهبر آن امام خمینی، برگزیده خلق قهرمان ایران میدانند و در این راه کام بر میدارند.

آقای کیسینجر! بنظر شما جای شکستی است که مردم جهان به اتحاد شوروی احترام بگذارند و با مریکا لعنت بفرستند؟ فکر می کنید مردم دنیا مغز در سر ندارند؟ اینها را نمی بینند؟ دوستدا از دشمن تشخیص نمی دهند؟

راشتر را بخوابید، آقای کیسینجر، این تعجب ندارد، آنچه شکفت انگیز است، تمجب شمام!

آقای هنری کیسینجر، وزیر خارجه نیکسون رئیس جمهوری سابق امریکا و مشاور امنیتی ایشان، دوست صدیق شاهنشاه آریامهر، رسماً اعلام کرده که «ششگین» است.

خشمشان از چه نوع است؟ از نوع دراز مدت. یک نوع خشم مادراتن، که در تمام طول هفته ادامه داشته است. چرا؟ چون دیپلماتهای ایرانی در امریکا، در مساجله های تلویزیونی پنه دولت آمریکارا روی آب ریخته و از انقلاب ایران دفاع کرده اند. و چون بقول ایشان «در خفا با آنها برآه میافتنند و تظاهر کنند که راه نحریکه می کنند، البته دفاع از حقانیت انقلاب ایران».

آقای کیسینجر از نحوه عمل دانشجویان ایرانی در امریکا نیز خشمگین است. چرا؟ چون دانشجویان مبارز ایرانی در امریکا به تبعیت از خط امام خمینی و دانشجویان رزمنده ایرانی، که جاسوسخانه آمریکاداران تهران اشغال کرده اند، در امریکا با نظاره ات. خود چهره واقعی حامیان محمد زهای مخلوق را نشان داده اند و خواسته اند که این جنایتکار، برای محاکمه در یک دادگاه بین المللی، به دولت جمهوری اسلامی ایران تحویل داده شود.

همه اینها جناب کیسینجر را خشمگین کرده است. البته از یک نظر به آقای کیسینجر ایرادی وارد نیست، زیرا، دوست آن باشد که گیرد دست دوست

در پریشان حالی و درماندگی! یک جنایتکار حرفه ای، یک جانور انسان نما، که صفتش به قتل دهها هزار نفر از جوانان این مردم آلوده است، یک مزدور خیا ننگار، که ثروت کشوری را، دهها سال، به اربابان خود تسلیم کرده است، گانگستری که با زور و تزویر میلیاردها دلار از کیسه مردمی میروم و له شده در زیر بار قن رار بوده، اینک در اثر انقلاب عظیم همین خلق، در بندر درمانده و پریشان حال شده است.

طبعی است که دوستانش، نیکسون شخص اول افساح و اتر گیت و رئیس جمهوری سابق امریکا و وزیر خارجه اش کیسینجر و البته جناب کارتر رئیس جمهوری کنونی امریکا، و نوکر سرسپرد دیگری چون انور السادات که کوس رسوائی هر کدامشان را فصل بفصل بر بام دنیا نواخته اند، اینک یکمک محمد زهای مخلوق بشتابند.

آقای کیسینجر از اعتراض مردم ایران با اینکه دولت امریکا قاتل فرزندان را در کف حمایت خود گرفته، خشمگین است.

مردم به حامی قاتل و شریک جرم قاتل میکوبند، قاتل را بدهید تا در یک محکمه صالحه با حضور ناظران بین المللی محاکمه اش کنیم و آقا عصبانی میشوند، عصبانیت ندارد!

این آقای عصبانی، در دنیا له سخنانش، برای کلیه کشورها که قصد رسوا کردن امریالیسم امریکا و مبارزه با آنرا داشته باشند خط و نشان میکشد و میکوبد، اما باید سیاسی در پیش گیریم که از بروز چنین حوادثی جلوگیری کنیم...!

آقای کیسینجر هنوز دنبال سیاسی است که در ویتمام داز حوادث جلوگیری کرده در آنکولام، در نیکاراگوئه هم، در ایران هم و در...

آقای کیسینجر! مطمئن باشید اگر شما، که سخنوری امریالیسم امریکا هستید، بار با بان خود بهمینند که پا از توی کفش دیگر ملل جهان خواهد داد، ولی بیرون بکشند و آنها را خیال خود بگذارند، و هیچوقت کسی بشما کاری ندارد. باور بفرمائید امام الفساد خودتان هستید.

این سیاست را آقای کیسینجر توضیح میدهد: «باید به دیگر کشورها بهمینیم که آزاد نیستند، و جمله ایشان با این شکل ادامه می یابد «قوانین موجود مصونیت دیپلماتیک را در مورد امریکاییها نقض کنند و یا نمیتوانند امریکاییها را بگیرند و گروگان نگه دارند و بعد هم مجازات نشوند...»

شبهه اید که میکوبند، «دست پیش را میگیرند که پس نیفتند.» این ضرب المثل درست در مورد اظهارات آقای کیسینجر صادق است. ما میپرسیم: «قوانین مصونیت دیپلماتیک» شامل حال جاسوسان هم می شود؟

و اما در مورد دستگیر کردن امریکاییها، مثل اینکه آقای

حزب توده ایران راه حل مسالمت آمیز و مبتنی بر رفع ستم ملی از خلق کرد را یگانه راه حل مسئله کردستان میداند و آماده است در این راه، با تمام نیرو و امکانات خود، به شورای انقلاب کمک کند

در گذشت یک رفیق

رفیق توده ای منصور پورانی در سال ۱۳۳۲ در خانواده ای زحمتکش در اهواز چشم بدنیسا گشود. وی در سال ۱۳۵۶ در تفکد اداران امریکائی در کویت و بحرین نیز ایجاد یک یل هوائی بین پاکستان و کویت - اجزاء دیگری از نقشه کلی، تهیه مقدمات عمل «نبروی و اکتش سریع» است. جانور زخم خورده آدم خوار بدنیسان جنگ و دو داند نشان میدهد می خواهد برساند و یا قصد حمله دارد؟ آینده باین سوال پاسخ خواهد داد. ولی در حال ما با این آماده باشیم و چنان آماده باشیم که اول این جانور و جرات حمله بخود راه ندهد، ثانیاً اگر حمله کرد، او را از پای در آوریم.

تصمیم به بستن مرزهای دریائی و هوائی ایران بر روی ناوها و هواپیماهای امریکائی، بویژه از این لحاظ بموقع ضرور بوده است که نقض احتمالی مرزهای دریائی و فضائی ایران این حق را از نقطه نظر حقوق بین المللی به ما خواهد داد که در مقام مدافع در برابر مهاجم از خود دفاع کنیم.

ولی وظیفه اصلی، اتخاذ تدابیر همه جانبه برای آمادگی در مقابله با دشمن است.

این سخن امام دقیق است که در اوضاع و احوالی که توجه جهان بایران دوخته شده، «آمریکاهنج غلطی نمیتواند بکند». ولی باید چنان آماده شد، چنان تسلیاتی در مقیاس بین المللی پیش گرفت، که اگر جانور زخم خورده، از روی یاس و خشم، حمله ور شد، بیوزنه اش بخاک مالیده شود و هیچ غلطی نتواند بکند.»

در جنگ بطور کلی، بویژه در جنگی با دشمنی غدار مانند امریکاییها، باید سبقت گرفت. باید سبقت گرفت و تا تکلیف و استراتژی جنگی شد باید سیاسی در مورد زمان جنگ داشت. باید همه نیروهای ممکن را برای ایراد شکست بر دشمن بسیج کرد. در چنین صورتی ماقطلاً پیروز خواهیم شد.

در جنگ هستیم، با امریکاییها، باید سرعت در تمام جهات آماده شد...

بقیه از صفحه ۱

توده های مردم، به سرعت گروههای متشکل تروریستی و خرابکار را کشف و متهم کرد. خلاصه ما باید با قاطعیت و سرعت پشت جبهه خود را از وجود پایگاههای اقتصادی - اجتماعی و از حضور عوامل متشکل دشمن پاک کنیم.

دشمن س دارد از اختلافات درونی ما برای رخنه استفاده کند، از جمله و بویژه از اختلافاتی که بر سر مسئله «خود مختاری» یا «خودگردانی» اقلیتهای ملی ساکن ایران (در درجه اول در کردستان) بوجود آمده است. ما باید با حل سریع و عادلانه این مسئله، با پذیرش خواسته های عادلانه اقلیتهای ملی، پذیرش «خود مختاری» یا «خودگردانی» آنها در چارچوب تمامیت ارضی کشور، این راه رخنه را سد کنیم. ما با این عمل تمام خلتهای ساکن ایران را در جبهه انقلاب بر ضد دشمن، داوطلبانه متحد خواهیم ساخت.

دستگاه دولتی ما یعنی ارتش، نیروهای انتظامی (ژاندارمری و شهر بانی) و ادارات واحد و دزدی هنوز «مناقصی» است. هم از لحاظ بقا عناصر و طاقوتی در آنها و هم از لحاظ شوه کار آنها. ما باید یکسازایی این دستگاه اداری، بویژه ارتش و نیروهای انتظامی را با قاطعیت انجام دهیم، تا بتوانیم تسوازی آنها، به هم آهنگ کردن آنها با نیازمندیهای انقلاب پرداخت.

این یکسازایی جزئی است از یکسازایی در پشت جبهه، و بنا بر این در جنگی که ما در آن واقع شده ایم، ضرور است.

دادگاههای انقلابی، کمیته ها و سپاه پاسداران را باید سرعت و دقت از عناصر مشکوک و ناپاب تصفیه کرد. این ارگانهای انقلابی را باید با جلب افرادی که مومن به انقلاب، مومن به «خط امام» اند تقویت کرد. مسؤولیت عمده، انتظامات در شهر روستا و در سراسر کشور باید بر عهده ارگانهای تصفیه شده و تقویت شده انقلابی قرار گیرد.

این تصفیه و تقویت ارگانهای انقلابی بهمان اندازه کار دقیقی است که ضرور. انجام آن باید بر عهده گروهی از مسئولین قرار گیرد، که ایمان آنها نسبت به درستی «خط امام» بی خسته باشد.

محاصره اقتصادی و سیاسی است که دشمن احتمالاً بر ضد ما بکار خواهد برد. ما از هم اکنون باید وسایل شکستن این محاصره اقتصادی را فراهم کنیم. شکستن این محاصره اقتصادی احتمالی ممکن است.

امریالیسم امریکا قدرت آنرا ندارد که حتی تمام متحدین خود را برای شرکت در این محاصره اقتصادی راضی کند. تضاد منافع بین آنها مانع جدی بر سر این راه است. ما میتوانیم و باید از این تضاد درون جبهه امریالیسم بین المللی استفاده کنیم. به علاوه غیر از کشورهای امریالیستی و رژیمهای دست نشانده آنها، بیش از ۱۰۰ کشور دیگر در این جهان وجود دارند. ما برای شکستن محاصره احتمالی اقتصادی از هم اکنون باید با این کشورها، امع از کشورهای سوسیالیستی، سرما یوداری و آن کشورها را از «جهان سوم»، که در جبهه مبارزه بر ضد امریالیسم قرار دارند، تماس برقرار کنیم. ما میتوانیم محاصره اقتصادی را بشکنیم. برای این کار باید از هم اکنون، برای نیازمندیهای خود در تمام زمینه ها، تدارک ببینیم.

برای مقابله با محاصره اقتصادی در داخل کشور نیز باید از هم اکنون برای جلوگیری از احتکال، گرانفروشی، برای اینکه بازرگانی داخلی دچار اختلال نشود تدابیر لازم اتخاذ و وسایل لازم فراهم گردد.

در جبهه نبرد با محاصره احتمالی اقتصادی - انحصار بازرگانی خارجی، تمرکز آن در دست دولت و نیز کنترل دولت بر عهده فروشی داخلی و همچنین قیمت گذاری و کنترل قیمتها ضرور است.

ما در جنگ هستیم، با امریکاییها

اعتراض فلسطینیها علیه سیاست سرکوب صهیونیستها شدت می یابد

سرکوبی فلسطینیها در سرزمینهای اشغالی عرب بوسیله مقامهای اسرائیلی شدت گرفته است. به دستور مقامهای نظامی اشغالگر اسرائیل، شهردار شهر نابلس در کرانه غربی رود اردن بازداشت و اخراج شده است. بازداشت شهردار نابلس باعث شد تا شهرداران هفت شهر دیگر بطور دسته جمعی استعفاء بدهند. اوضاع در کرانه غربی رود اردن بشدت متشنج است و مردم علیه سیاست سرکوب، که از سوی صهیونیستها اعمال میشود، تظاهرات گسترده ای برپا میکنند. معارضه و مدارس بعلت اعتصاب بسته شده است.

مردم در بیانه های خود طرحهایی را که در قراردادهای خانقانه کمپد پیوند برای کرانه غربی پیش بینی شده است، بشدت رد می کنند.

توصیه به رفقای حزبی، هواداران و دوستان در مورد اخباری که برای «مردم» می فرستند

بسیاری از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب، در زمینه های گوناگون برای «مردم» خبر می فرستند، که موجب تشکر فراوان است.

«مردم» بر اساس اطمینان و اعتمادی که به رفقا و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند و برای اطمینان به صحت اخبار هم، جز تکیه به اینکه فرستندگان اخبار و گزارشها مسؤولیت خطیر خود را بر این زمینه بخوبی درک می کنند، امکان دیگری ندارد. ولی متأسفانه تاکنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار دریافتی دقیق نبوده است. از آنجاکه «مردم» روزنامه ای است مسؤول در میان مردم صاحب نفوذ و اعتبار است، و از آنجاکه در شرایط بسیار حساس کنونی اخبار نادقیق ممکن است موجب سوء تفاهم شود و نتایج ناگوارانی ببار آورد و نیز به نفوذ اعتبار حزب لطمه بزند، از همه رفقای حزبی و هواداران و دوستان خواهش میکنیم که در کسب و تهیه خبر نهایت دقت را مبدول دارند.

باساس «مردم»

مائوئیستها در مقابل لانه جاسوسی امریکا مفتضح شدند

دیروز گروهی از مائوئیستها زیر نام «گروه مبارزه در راه ایجاد کانونهای دیکر اتکانتی آموزشی»، در مقابل لانه جاسوسی امریکا مشغول بخش اعلامیه بودند، که با اعتراض و مخالفت مردم روبرو شدند. هنگامی که اعلامیه بخش کتبی مائوئیست مشغول بخش اعلامیه بودند، گروهی از مردم آنها را احاطه کردند و شروع به اعتراض و مخالفت با آنها نمودند.

یکی گفت: این اعلامیه ها که شما بخش می کنید مردم را از راه اصلی مبارزه، که امریالیسم آمریکاست، منحرف می ماند.

دیگری گفت: کاری که شما می کنید کارسازا کیهانست. یک نفر از بین جمعیت فریاد زد: اینها برای این کار از امریکا پول می گیرند.

در این موقع خشم مردم بالا گرفت و اعلامیه ها را پاره کردند و با شمار مرگ بر امریکا، امریکا دشمن اصلی ما است، مائوئیستها را فراری دادند.

اتحاد امریالیسم امریکا و رهبری پکن علیه خلق کامپوچیا

سرپرست سلب سرخ کامپوچیا در مساجله در سازمان ملل متحد گفت که امریالیسم امریکا و محافل حاکمه پکن، تبهکاران واقعی تر آزادی در کامپوچیا هستند. وی اعلام کرد که امریالیسم امریکا با استفاده از همه وسائل ممکن برای سرکوبی جنبش آزادی بخش ملی در آسیای جنوب شرقی و ایجاد حکومتهای سرسپرد در این منطقه وارد عمل شد و علیه خلق های هندوچین به تجاوزی وحشیانه دست زد و از اوائل دهه هفتاد کشورهای هندوچین را وحشیانه بمباران کرد. خلق کامپوچیا از این بمبارانها صدمات فراوانی متحمل شد. سرپرست سلب سرخ کامپوچیا یاد آور شد که دارو دسته حاکم بر پکن نیز با استفاده از دارو دسته جنایتکار پول پستینک ساری تلاش کرد کامپوچیا را به یک پالت چینی تبدیل کند و میلیونها تن از مردم کامپوچیا قربانی این سیاست جنایتکارانه شدند.

رفقای حزبی! هواداران و دوستان حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه ها، بیانیه ها و...) منتشر در حزب توده ایران، را با استفاده از تمام امکانات، بوسیله ترین شکل تکثیر کنید و به توده های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مهم انقلابی است.

کتاب تازه

مسارکس، انگلس، ولین و لین در زندگی خصوصی کرد آورنده و مترجم، مریم فریوز از انتشارات حزب توده ایران

«مردم»

ارگان مرکزی حزب توده ایران نشانی: خیابان ۱۶ آذر - شماره ۶۸ تلفن: ۹۳۵۷۲۸ و ۹۳۳۳۵۹ چاپ: کویان

موفقیت در مذاکرات، برای حل مسالمت آمیز مسئله کردستان، آرزوی ماست - آتش بس شرط حتمی و ضرور برای نیل به این موفقیت است



حزب کمونیست فرانسه از مردم ایران پشتیبانی میکند

درحالیکه روزنامه‌های دست راستی و ارتجاعی اروپای غربی از مبارزه خلق ایران علیه امپریالیسم جهانی، بر سرکردگی امپریالیسم آمریکا، احساس ناراحتی میکنند، روزنامه‌های وابسته به احزاب کمونیست اروپای غربی قائلانه از مبارزه خلق ایران حمایت کرده آنرا مورد تأیید کامل قرار میدهند. از جمله روزنامه اومانیت، ارگان حزب کمونیست فرانسه، میونس، درخواست برای استقلال، روزنامه روزدر ایران عقب بیشتری میکرد و در این کشور مبارزه علیه امپریالیسم به انقلاب تبدیل شده است.

امریکا به اتحاد شوروی به خاطر موضع درست اتحاد شوروی در دفاع از انقلاب ایران اعتراض کرد

به گزارش خبرگزاری فرانسه، هودینک کارتر، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد که امریکا در مورد اشراف سفارت آمریکا در تهران به اتحاد شوروی اعتراض کرده است. هودینک کارتر گفت که تفسیرهای رسانه‌های غربی اتحاد شوروی از نظر امریکا کاملاً غیر قابل قبول است.

کمک اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به مردم کامبوجیا

۳ کشتی شوروی حامل خواربار وارد کامبوجیا شدند. در هفته گذشته دو کشتی دیگر شوروی حامل ترکتور، کامبوجیا و وسائل تکنیکی مورد نیاز اقتصاد ملی به بنادر کامبوجیا وارد شدند. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی تاکنون متجاوز از ۲۰۰ هزار تن خواربار و مواد غذایی و دارو و مواد کمک به مردم کامبوجیا به این کشور ارسال داشته‌اند.

چین علیه ویتنام سوسیالیستی تدارک جنگ می بیند

وزارت خارجه جمهوری سوسیالیستی ویتنام اعلام کرد که چین کماکان به تدارک یک جنگ تازه علیه ویتنام ادامه میدهد. در بیان مائوئیست یکگان‌های تازه ای در مرز چین - ویتنام مستقر کرده‌اند و سلاح‌های سنگین، بمب‌ها، مین‌ها، مین‌های میزبان، نظامیان چینی در مرز ویتنام دست به ما زورده‌اند. از سوی دیگر هواپیماهای نظامی چین حریم هوایی ویتنام را نقض می‌کنند. چین همچنین جاسوسانی به سرزمین ویتنام گسیل داده و متوجهانه تلاش دارد در میان اقلیت تغم نفاق بیافشاند. در بیان چین بار دیگر بوشما نه گفته‌اند که می‌خواهند درس دیگری به ویتنام بدهند.

اوضاع داخلی بلوی همچنان وخیم و آشفته است

دولت سرهنگ ناتوش، که بایک کودتای نظامی زمام امور را بدست گرفته، فشار سوس کوب نظامیان را تشدید می‌کند. در شهر لایاز علیه نظامیان کنگدگان واحدهای نظامی، تانک‌ها و تانک‌ها و هواپیما بکار برده میشود. بسیاری از نواحی شهر زیر آتش توپخانه نیروی هوایی قرار گرفته است. در نتیجه عددهای زیادی از اهالی شهر کشته و زخمی شده‌اند. اعتصاب همگانی که از جانب مرکز کارگری بلوی اعلام گردیده، تمام اقتصاد کشور را فلج کرده است، در سراسر کشور حکومت نظامی اعلام شده است.

مخالفت با دست یافتن نژادپرستان آفریقای جنوبی به سلاح هسته‌ای شدت می‌یابد

دست یافتن نژادپرستان آفریقای جنوبی به سلاح هسته‌ای، که با حمایت انحصارات غربی و اسرائیلی صورت گرفته، مردم جهان را تکان داده است. رئیس کمیته مبارزه با آبرایتاید سازمان ملل گفت که امکانات هسته‌ای آفریقای جنوبی تهدیدی جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است. وی گفت که کشورهای غربی، بویژه آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان فدرال و همچنین اسرائیل مسئول انفجار هسته‌ای آفریقای جنوبی هستند.

مبارزه خلق‌های امریکای لاتین علیه انحصارهای امپریالیستی شدت می‌گیرد

روزنامه برادو ضمن بحث درباره اجلاس اخیر سازمان کشورهای آمریکایی نوشت که این اجلاس نشان داد که تغییرات رادیکال سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در آمریکای لاتین در این سازمان نیز منتهی گردیده است. برادو اضافه کرد که خلق‌های آمریکای لاتین مبارزه علیه سلطه انحصارات امپریالیستی و علیه زورگویی سیاسی و اقتصادی آمریکا را شدت می‌بخشد.

اعمال فشار صهیونیستی اسرائیل علیه زحمتکشان عرب و یهود

تبعیض و فشار صهیونیستی اسرائیلی علیه زحمتکشان عرب و یهود بی‌کسان اعمال میشود. دو دست تن از گروه «دلگان سیاه» در اسرائیل، که از مهاجرین یهودی کشورهای عربی و شرقی تشکیل شده است، تلاش کردند خود را به یک مرکز تجمع گروه «گوش الوئیم» در کرانه غربی رود اردن برسانند. گروه «گوش الوئیم» با حمایت دولت تل آویو، باغصب زمینهای اعراب در سرزمینهای اشغالی، شهرک‌های شبه نظامی ایجاد میکند. «دلگان سیاه» اعلام کردند در حالیکه از لحاظ اقتصادی هیچ‌اندکس برای زحمتکشان در اسرائیل صورت نمی‌گیرد، دولت بودجه کلانی را صرف هزینه‌های نظامی تجاوزکارانه میکند و گروه‌هایی مانند گروه «گوش الوئیم» را تقویت می‌کند.

در آمیزی یافته، بقیه بخشهای جامعه باشند و ضعف متفاوت و بر اساس انگیزه‌های گوناگون، میتوانند در مواضع ضد امپریالیستی، نایم، گیر یابی گیر قرار گیرند. در جامعه‌های مانند جامعه ما، بورژوازی ملی و و خرده بورژوازی، در کنار زحمتکشان شهر و ده، می‌توانند مواضع ضد امپریالیستی داشته باشند. بر خه‌ها می‌گویند، در ایران «بورژوازی ملی وجود ندارد». یامی گویند، تنها کارگران طرفدار ویژه کن کردن امپریالیسم هستند، لاغیر، حقیقت آنست که در ایران آن بخش از بورژوازی که غارتگری امپریالیسم و اعمال داخلی، به نفع آن در تولید توزیع زیان میند، ناچار خواستار آنست که بازار و منافع ثروت و تولید داخلی را از تعرضات امپریالیسم مصون نگاه دارد. چنین بورژوازی در ایران وجود دارد و بطور عمده بورژوازی متوسط و کوچک از این‌زمره است. همچنین گفتن اینکه تنها پرولتاریا خواستار طرفداری و ریشه کن کردن امپریالیسم است، البته درست است، ولی تبدیل این حکم به وسیله‌ای برای انکار خاصیت ضد امپریالیستی قشرهای دیگر جامعه نادرست است. آری، بورژوازی ملی و خرده بورژوازی خواستار ریشه کن کردن قلمی امپریالیسم نیستند، ولی خواستار تضعیف مواضع امپریالیستی با شکست و ضعف و بی‌گیری مختلف هستند و صدها واقعیت از آن حکایت میکند.

ملت‌گرایی (ناسیونالیسم) ایده‌ولوژی سیاسی بورژوازی ملی و خرده بورژوازی است. ملت‌گرایی یعنی چه؟ یعنی تلاش برای حفظ بازار داخلی از تعرض رقیب خارجی و عمالش. از همین جا مفهوم «مزره» و «وطن» و «استقلال» برای این ایده‌ولوژی نشأت می‌گیرد. ملت‌گرایی، ایده‌ولوژی سیاسی پرولتاریا نیست، ایده‌ولوژی سیاسی پرولتاریا جهان‌گرایی پرولتاری (انترناسیونالیسم) است، یعنی تلاش برای ایجاد یک اتحاد بین‌المللی از کلیه خلق‌های مظلوم و ستمدیده و طرفداری بهمین دشمنان رستم‌کنان.

بندیه‌ای است که انترناسیونالیسم پرولتاریا نه فقط با مین دوستی (پاتریوتیسم)، یعنی دفاع از استقلال، تمامیت ارضی و آزادی مین به معنی دفاع از منافع زحمتکشان و همه خلق ندارد، بلکه معکول آنست، انترناسیونالیسم پرولتاریا و مین دوستی با یکدیگر پیوند ناگسستنی دارند. و درست بهمین دلیل کمونیستها، انترناسیونالیستهای اصیل - چنانکه در زندگی و مبارزه مبارزه تمام خلق‌های جهان، از جمله زندگی و مبارزه خلق‌ها، بارها بشیوه رسیده است - از صدیق‌ترین و فداکارترین مین‌دستان‌اند.

ایده‌ولوژی سیاسی بورژوازی کومپرادور (دلال و وابسته) «جهان وطنی» (کومپولسی ترم) یعنی بی‌اعتنائی به منافع ملی است. اگر درست است که ملت‌گرایی مسلک سیاسی بورژوازی ملی و خرده بورژوازی است، پس بناچار این مسلک سیاسی، در مقابل مسلک ناسیونالیسم طلبانه جهان وطنی بورژوازی وابسته و در مقابل سلطه جوئی امپریالیسم قرار میگیرد. این امر در منطق اشیاء نهفته است و نمیتواند چنان بی‌اثر باشد. و این مسئله که بخشی از ملت‌گراییان بورژوازی خرده بورژوازی طرفدار قلمی امپریالیسم نیست، ولی باید تجربه تاریخی نشان دهد.

نظری به مسائل امروزی

امقدماتی که یاد کردیم طرح مطلب از نظر ما چنین است: در انقلاب ایران، که انقلاب رهائی بخشی ملی و انقلاب خلقی است، حل مسئله استقلال و دمکراسی، مسائل مرکزی است. در این انقلاب، بللی که روشن است، رهبری در دست پرولتاریا و ایده‌ولوژی سیاسی او نیا فاده است. رهبری در دست قشرهای متوسط (انتربورژوازی ملی) گرفته تا دیگر لایه‌های میان‌تکین، مولد غیر مولد شهر و ده) قرار دارد و بیشتر این قشرها بیشتر اسلام انقلابی و رهبری آن روحانیت مترقی است. در دون این قشرها روند لایه‌بندی انجام میگیرد و بخش بزرگ‌تری به امامت خمینی نقش مسلط‌تری ایفاء میکند.

حزب ما بدارک این واقعیت و با قبول این مسئله، که این رهبری میتواند وظائف مین ضد امپریالیستی و خلقی این انقلاب را، و لودر چهارچوب خود، اجرا کند و با قبول این حقیقت، که مقابله با این جریان، که مورد حمایت مردم است، تنها اتلاف عیب نیرو و زور زدن به انقلاب و آب ریختن در آسیاب امپریالیسم است، سیاست پیشیانی از این جریان را برپا می‌شود تا حدی که در پیش گرفته است. در این جریان مبارزه و دولتی، «دستور آزادی در اصول انقلابی همراه با زورش در سیاست عملی» را اسلوب کار خود قرار داده است. مین سیاست‌ساز، انقلابی، روشن، منطقی، مستدل و واقع‌گرایانه است که از طرف برخی گروه‌های چپ درک نمی‌شود. قشر فوقانی بورژوازی ملی، که از بنیادگرایی (رادیکالیسم) جناح چپ رهبری امام خمینی، خود-نکران است، که با مطلق کردن شعارهای ضد استبداد، با معتم کردن جناح رادیکال به «فالاترانیسم» و «فوق‌اشی» ایجاد دنوع جدید استبداد، از همان آغاز شیوه لندنند و فاصله‌گیری را در پیش گرفت و با رهبری برخی از رجال دولتی و روحانی، «علا یک «جهه نافرمانی» در مقابل انقلاب و رهبری آن، امام خمینی، وجود آورده است. سیر انقلاب بر سر این قشر مبدع تنگ‌تر می‌سازد.

گروه‌های چپ‌رو با طرح اراده گریانه یک سلسله شعارهای تجربی و جدا از واقعیت درباره ریشه کن کردن امپریالیسم و ایجاد حکومت کارگری و نانکبه بر روی نایب‌گیری‌ها و عقب‌ماندگی‌های خرده بورژوازی مطلب را با لایحه کشیده‌اند که تنها مبارزه مسلحانه قادر است انقلاب را به پیروزی برساند.

دهر در برداشته‌های اخیر، سردرگمی‌های مرسومانه و سفسطه‌های عامدانه کم نیست، در مورد آنها که معصومانه سردرگم شده‌اند، امید است تلاش‌های شاکتف مناسبت کمک کند و در مورد آنها که عمدتاً مغلطه میکنند، باید گفت از آن گروه‌ها که برای جهل خودخواسته آنها چاره‌ای نمی‌توان یافت.

برای روشن شدن جوانب دیگر مسئله رجوع کنید به مقالات «وحدت ضامن پیروزی است» و «لیبرالیسم، دمکراسیسم و مبارزه ضد امپریالیستی» در شماره‌های پیشین «مردم»...

بحثی در مسائل جاری

امپریالیسم

و ضد امپریالیسم

و باید

به درستی شناخت

سرما به‌داری کمک کنید، ولی توانست چرخ‌های عمیق و قرص‌های سرمانی این نظام فاسد و استثمارگری را به یهود بخشد. اکنون سرما به‌داری انحصاری دولتی امپریالیستی در خارج مرز مین و همه‌جانبه‌ایست که بصورت تورم، بیکاری، افت تولید، تنگی بازار، تشدید رقابت‌های بین کشورهای امپریالیستی و غیره بروز کرده است.

پس امپریالیسم مرحله‌ایست از سرمایه‌داری و اطلاق امپریالیسم بیک کشور سوسیالیستی پرتویلا گفتم است. واژه «سوسیال امپریالیسم» را لنین در مورد سوسیال دمکرات‌های که سیاست امپریالیستی بورژوازی را از هر یک دوغ تقویت می‌کردند و می‌کنند، بکار می‌برد است. این واژه چندی بعد به دولتها و کشورهای دارای مالکیت اجتماعی تاحده ۰٪ است و بزرگترین خصوصیت و سبزه امپریالیستها متوجه آن کشورهاست. مستحیل کردن مفهوم اقتصادی - اجتماعی امپریالیستی در واژه‌های مهم «جهان‌نوازه»، «ایرترادرت»، «سلطه طلبی» و «قلمی کردن دولت و دولت‌ها» و «ولت مسئله» ممکن است مانند خرخلط مبعیثی لفظاتی چند از تاریخ، به‌جا‌علائش کمک کند، ولی این امر موقت است و واقعیت و حقیقت در برده نمی‌ماند و سفسطه برلامی گردد.

عملکرد امپریالیسم

رما به‌داری امپریالیستی در تاریخ بشریت دارای عملکرد معینی است. این نهاد اقتصادی - اجتماعی گرایش سرشتی بدان دارد که تسلط خود را از طریق مختلف نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جهان بسط دهد، نام منابع اولیه را تحت کنترل داشته باشد، می‌بازار جهان را از آن خود کند. بدین منظور امپریالیسم به شیوه‌های استثمار (سلطه جوئی آشکار و مستقیم) و نو استعماری (سلطه جوئی پنهان و غیرمستقیم) متوسل میشود، که اراده اسارتگر و تاراجگر خویش را به جهان‌یانیان تحمیل نماید. مکانیسم اقتصادی امپریالیسم، تمایلی به حفظ خود در مقابل انحصارهای امپریالیستی رقیب و بسط دامنه عمل خود، او را باین کار امیدوارد. عمل او ناگزیر است، ولی موجه نیست، چنانکه، عندر اهران بی‌ار که میکوبد چاره‌ای نداشته جز آنکه مسافرت را بکشد، زیرا میخواست مائل را بدزد، موجه نیست (با این میکوبد عندر بدتر از گناه).

بدینسان امپریالیسم، که قله تکامل نهادهای بهره‌کشی و مالکیت خصوصی افزار تولید در تاریخ انسانی است، به غولی آمدن خوار و خون‌سک، به منشاء شر و جنایت، به پایه بشریت مبدل شده است و بسزای تکامل انسانیت هیچ راه دیگری جز رهائی از این یخ‌تنگ و خشتناک نیست. مرکز مالکیت خصوصی انوار تولید به چنین لفو و همملی، که در عین حال بعد اعلی مشروطاً لمانه است، بدل نشده بود. این منتهای طفیلیگری و استثمار است.

از آنجا که عملکرد امپریالیسم منافع همه زحمتکشان کشورهای صنعتی، همه خلق‌های «جهان‌سوم» (جهان مستعمراتی سابق)، همه کشورهای صاحب‌دست و سوسیالیستی، همه جنبشهای مترقی را یا پامل میکند، لذا در جهان معاصر یک جهه عظیم، ولوتشکل نیافته علیه امپریالیسم پدید آمده است. تمام بشریت مترقی در جهه نبرد ضد امپریالیستی بدین نحو یا بدان نوع عمل میکند. امپریالیسم دشمن مشترک است و وجود دشمن مشترک موجب نوعی اتحاد در مقیاس جهانی - تاریخی است.

برای کشورهای «جهان سوم» مبارزه علیه این دشمن عظیم مبارزه مرکزی است. زیرا وظیفه مقدم «جهان سوم» آنست که خود را از وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی نجات دهد و استقلال و خود-بودگی خویش را باز یابد و بمشانه نیروی قائم بالذات وارد عرصه تمدن جهانی شود، تا نقش اصیل خود را بتوان ایفاء نماید. البته این امر بمعنای نفی روابط برابر حقوق با جنبه خلق‌های جهان نیست، ولی بمعنای شرط مطلق استغفار از چنین روابط برابری است.

نیروهای ضد امپریالیستی

بسیاری از جوامع مربوط به «جهان سوم»، در آسیا و آفریقا و امریکای لاتین، در آن جوامعی که هنوز در قید سیاست‌های امپریالیستی گرفتارند، قشرهای وسیعی دارای خصلت ضد امپریالیستی هستند. بجز آن بخش از اشرافیت فئودال و زمینداران بزرگ و سرمایه‌داران لال و وابسته و لایه‌های فوقانی ارتش و دستگاه دولتی، که منافشان با منافع امپریالیسم

طرح مسئله

و پیسنده معروف فرانسیس ولتر میکوبد، در تجربه زندگی برای من ثابت شد که گاه اختلاف نظرها از آنجا حاصل میشود که دو طرف اختلاف اصطلاح واحدی را در بحث بکار مینند، ولی بعدها روشن میشود که محتوی این اصطلاح واحد برای آنها یکی فرق دارد و چون هر یک موافق درک خود از آن اصطلاح سخن میکوبد، و در ظاهر بنظر میرسد که هر دو از یکجوز سخن می‌گویند، بحث و مناظره هیچ‌چیز و بی‌سرانجام میشود. ولتر میکوبد، بر اساس این تجربه عملی، من بدین نتیجه رسیدم که در ستهای فلسفی و سیاسی، اول و اساسی کتم که آید درک از اصطلاحات و واژه‌های اساسی مورد بحث با طرف من یکی است و از آن اول کار، دوا به تامله حساب کنیم تا در این دو جا اشتغال نمویم.

در جریان رویارویی فکری که اکنون در جامعه ما و از آنجمله در میان روشنفکران و دانشکامها و دانشجویان مادرگرمه، غالباً سوء تفاهمها و سردرگمی‌هایی بوجود می‌آید که شنیدن بی‌ادابین یادآوری اسلوبی حکیم و نویسنده فرانسیس ولتر مینماید.

از آنجمله است واژه مهم «امپریالیسم». بگذاریم از آنهایی که مبارزه در راه آزادی را تنها شمار اساسی انقلاب میدانند، حتی کسانی هم که تقدم مبارزه علیه امپریالیسم را در لفظ قبول دارند، از جهت درک این اصطلاح و جهات مختلف مسئله دچار آفتخا سوء تفاهمات و تئوریک هستند که در عطل به نتایج نادرستی میرسد. مدتی وقت لازم بود که معلوم شود همه ما واژه امپریالیسم را یک معنی بکار نمی‌بریم، چنانکه همه ما واژه «دمکراسی» را هم به یک معنی بکار نمی‌بریم.

تحت تاثیر جامعه‌شناسی‌های غیر علمی، برخی از دمکراسی همان آزادی‌های غیر مسئول و غیر محدود را می‌فهمند و اصطلاح نادرند که مسئله حقوق دمکراتیک (حق کار، حق درمان، حق آموزش، حق تعطیل و استراحت، حق نامین پیری، حق مادری، حق زنان به برابر حقوقی با مردان، حق حلقه در تصمیم سرنوشت و غیره) معنوی اساسی دمکراسی بمعنای «مردم‌فرمانی» است، و بدون آن، آزادی‌های دمکراتیک امری بیهوده و سوری است و حقت نمی‌آورد.

تحت تاثیر همین جامعه‌شناسی‌های عامیانه، برخی امپریالیسم را بمعنای جهان‌تکشی و جهه نوازی و بطور کلی سیاست سلطه جوئی می‌فهمند و بر آنند که هر دولت بزرگی (اعم از سوسیالیستی و یا سرمایه‌داری) بناچار چنین سیاستی را اعمال میکند. همین جهت محدود رضا پهلوی از «امپریالیسم سرخ و سیاه» صحبت میکرد و امروزین کسانی از جهه نوازیان شرق و غرب، دم‌مزنند و ما تو بیست و واژه «سوسیال امپریالیسم» را در مورد کشور شوروی بکار می‌برند. خلط مبعیث که می‌گویند همین است.

اگر دمکراسی را تنها بمعنای آزادی (و آتم غیر مسئول و غیر محدود) و اگر امپریالیسم را تنها بمعنای سلطه جوئی (و آتم از ناحیه «ایر قدرت‌ها») بکار ببریم، در آن صورت مطلب به بیراهه می‌افتد و نتایج کج و کولهای گرفتار می‌شود، چنانکه در فقه میشود. مفاهیم مخلوط و مبهم ناچاراً حکم و استنتاجات مخلوط و مبهم ایجاد می‌کنند. ما در گذشته درباره دمکراسی و اجزاء آن یعنی حقوق و آزادی‌های دمکراتیک توضیح دادیم و اینک سوئمنده میدانیم چنین توضیحی را در درباره امپریالیسم بدیم. این توضیح برای ما روشن می‌سازد که چگونه امپریالیسم کوچک می‌تواند با سوسیالیسم و سوسیالیسم اشتند و کشورهای بزرگی مانند هند و نیجریه نیستند و امپریالیسم ربطی به بزرگی و کوچکی، یا خلق و خوی یک کشور و خشتوت یا نرمی لحن سیاسی ندارد و دارای محتوی مشخص دیگری است، دارای یک محتوی روشن اجتماعی.

امپریالیسم چیست؟

ریف علمی امپریالیسم از دیدگاه اقتصاد و جامعه‌شناسی مارکسیستی - لنینیستی عبارت است از بالاترین یا عالیترین دوران تکامل سرمایه‌داری، یعنی زمانی که سرمایه‌داری غیر انحصاری مبتنی بر رقابت آزاد رسد متوسط به سرمایه‌داری انحصاری مبتنی بر توافق گروهی از سرمایه‌داران بر سر بهاء و بازار و غیره برای کسب سود حداکثر تبدیل می‌شود.

ت

در سیر تکاملی سرمایه‌داری، سرمایه‌داران با این نتیجه رسیدند که اگر آنها در سازمان‌هایی مانند ترست، سندیکا، کنسرسیوم، کنسرن، کمپانی و غیره متحد شوند و سیاست اقتصادی خود را با هم متوافق سازند، میتوانند از قدرت تحریری رقابت‌ها (که آنها را وامیدارد به سود متوسط راضی شوند) بکاهد و به کسب سود حداکثر نائل آیند. در مرحله امپریالیستی، سرمایه مالی با تکلیف جای فائق را در بین اشکال مختلف سرمایه (مانند سرمایه صنعتی، سرمایه بازرگانی و غیره) بدست می‌آورد و بانکها نقش نوینی را ایفاء میکنند، یعنی خود را با سرمایه‌گذاری در تولید در تولید می‌میزانند. در این مرحله، کشورهای امپریالیستی دست به تجدید تقسیم جهان بین خود مینند و نه فقط به کشورهای مستعمر و وابسته کالا صادر میکنند، بلکه به صدور سرمایه نیز می‌پردازند.

ما اکنون در دورانی هستیم که سرمایه‌داری امپریالیستی در کشورهای امریکای شمالی (ایالات متحده آمریکا) و در اروپای غربی و شرقی و شمالی و در ژاپن وارد مرحله سرمایه‌داری انحصاری دولتی شده است. در این مرحله، دولت که در سابق نقش اقتصادی نداشت، بیاری سرمایه‌داران می‌شاید و در امر نقشه‌برداری و مدیریت به آنها تشریک مساعی میکند و دستگاه دولتی را به حفظ و حمایت وسط انحصارها از هر باره بیکار می‌اندازد و از جهت اسلوب کار اقتصادی همان توصیه‌هایی را بکار می‌بندد که در کیتز، اقتصاددان معروف انگلیسی، آن را راه رهائی سرمایه‌داری از بحران و بیکاری میداند است. البته نسخه‌های کیتز، همراه با وقوع یک انقلاب علمی و فنی، هم وقتاً امکانات سرمایه‌داری امپریالیستی را بالا برد، توانست تاحدودی به طولانی‌تر کردن عمر

باید راه بازگشت دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا را بهمین کشور

بعلاج باقی گذارد. هم اکنون برخی از دانشکاههای ما آمادگی خود را برای پذیرائی از دانشجویان اخراجی و فراهم آوردن اسباب تحصیل آنان اعلام کرده اند، هزارها ساختمان، کاخ و ویلاهای وسیع طاغوتیان فراری بلا استفاده افتاده و خاک می خورند، می توان آنها را تبدیل به مرکز آموزش دانشگاهی کرد. صدها استاد بسیار و آموخته بازنشسته، اخراجی دوران طاغوت و بیگانه داریم که می توان همه آنها را بکار دعوت کرد و از آنان برای تعلیم دانشجویانی که به کشور بازمانده گردانند.

اما در درازمدت، چنانکه مادرشماره های گذشته مردم نگار داشتیم، باید اکنون که انقلاب خود را در راستای قطع وابستگی از امپریالیسم شتاب داده ایم، این سلاح را نیز از دست امپریالیسم بازستانیم که هم ارز ما را میبرد، هم مغز جوانان ما را با مظاهر فساد و انحطاط خود می ریمد و هم هر گام استقلال طلبانه ما را، با اعمال خشونت و فشار نسبت به دانشجویان نماند باسخ می گوید. باید با اقدامات سنجیده و یکبار برای همیشه به این بازی سیاسی امپریالیسم پایان داد و گریبان مردم را از شر آن رها ساخت.

ما کشور ثروتمندی هستیم. اکنون که زمان سر نوشت کشور را خود در دست گرفته ایم، باید بتوانیم ثروت ملی خود را در راه رفع نیازمندیهای مردم بکار ببریم، در عرصه بسط شبکه آموزش عالی، میتوانیم دو میلیارد دلاری را که هر سال برای هزینه تحصیل دانشجویان مقیم خارج به کشورهای امپریالیستی میفرستیم، برای گسترش شبکه دانشگاهی در داخل کشور استفاده کنیم، دانشگاه بسازیم، آزمایشگاه و کتابخانه بوجود آوریم، استاد و دبیر و مربی تربیت کنیم، تا از این وابستگی شدید فرهنگی خود به کشورهای امپریالیستی بکاهیم. در اینصورت میتوان قطب در موارد ناگزیر دانشجویان را به خارج فرستاد، یعنی در حد معقولی که همه کشورهای مستقل و غیر وابسته عمل میکنند.

از هم اکنون باید نخستین گامها را در راه قطع سلطه فرهنگی امپریالیسم برداشت.

بعدنباختر اخبار مربوط به اعمال خشونت و سختگیری نسبت دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا، آقای بنی صدر، سرپرست وزارت امور خارجه اعلام داشت: «برای حل این مهم نیز در صددیم تا دبیری بیندیشیم». ویس از آن طی پیامی از دانشجویان خواست که، «با خوشنودی این مشکل را تحمل کنند، عکس العمل خشن نشان ندهند و به توضیح بپردازند».

دعوت دانشجویان به خوشنودی و بردباری و توسل به شیوه های توجیهی واقعی، در این روزهای حساس، که جو عمومی نسبت به ایران در آمریکا بالا گرفته است، توصیه ای است مفید، ولی درمان درد نیست. در آمریکا ما ۷۰ هزار دانشجوی داریم که این نهانه که دانشجویانی که امکان تقسیم آنها در ایران هست، میتوانند در آمریکا باقی بمانند، برای دانشجویان متعلق به خانواده های طاغوتی، ضد انقلابی ها، وابستگان و مزدوران رژیم پیشین چراغ سبز زده به آنان اجازه ادامه زندگی و تحصیل در آمریکا را داده است، تا با برکت مرحام سیا و موساد، از آنان بهره های مناسبی برای بازبهای احتمالی آینده آمریکا در صحنه شطرنج ایران تهیه کنند. اما بقیه دانشجویان این عده که شماره آنان معتنا به است، اکنون در خطر اخراج و ترک تحصیل قرار گرفته اند. اداره مهاجرت، وزارت دادگستری و سازمانهای باصلاح اختیاری آمریکا، با شتاب سرگرم بی چوئی ویرانده سازی برای دانشجویان مبارز و همپن پرست ایرانی هستند، تا به اخراج آنان اقدام کنند. ارتجاع آمریکا از اقدام انقلابی ایران کلافه است، کیستچیز به نمایندگی از این محافل سریعاً میکویند، نحوه عمل دانشجویان ایرانی را خشکمون کرده است. نحوه عمل دانشجویان ایرانی چه بوده که کیستچیز را خصیانی کرده؟ فریادهای ضد آمریکائی و فاشیستی بر سر خواست استر داد شاه جنایتکار، که کیستچیز و همتهای او تحمل شنیدن آنها ندارند و میخواهند با اقدامات تضحیتی، واژ جمله اعمال خشونت به دانشجویان ایرانی، انقلاب ضد امپریالیستی ما را به زانو در آورند.

در برابر این نحوه اعمال خشونت باید برای این جوانان فکری اساسی اندیشید. باید دروازه ای برای آنان گشود تا خود را زندانی امپریالیسم احساس نکنند. نباید آنها را دست و پا بسته و

نامه پشتیبانی هنرمندان از مشی ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی و اشغال جاسوسخانه آمریکا



یکی دیگر از تابلوهای که هنرمندان در پایان تظاهرات روز شنبه به دانشجویان مسلمان خط پیر و امام تقدیم کردند

نسرین طیبیائی - نوشین ناهیدپور - علیرضا ناصری - بهنام مهندس - مهدی نوری - مهدی یحوی تاج آبادی - رضادرخشانی - فرزانه تقفد فریده جمالی - حسین ماهر - جلال پنداسگری فرد نادر قنقائی - رضامیر محمدعلی - کسائی - پریچهر فرخنده - شکرانی - منوچهر مهاجر - محمود نوروزی - سعید شهبازور - گل - سارحقی - اصغر اهری پور - بهمن صحبت پور - شامل - اکبر اهری پور - اسداله پیوند - حسن صفا - ابرج انواری - محمد - سریع القلم - ناصر حسینی - سودابه اسکویی - عباس شادروان - کاظم زبیر آزاد شیردل - محمد مسگر پوران - حمید شانس - اسفون آتشی - بهرام ادوری - سیاوش کسائی - فریدون فرجاد آزاد - سرژاواکیان - فرج نوتاش - نسراله زمر دیوان - میر عباس - جعفر کوش آبادی - محمد تقی برومند - حسن عسکری - مصطفی اسکویی - فریدون تنگبانی - عبدالله صدایان - جاهد جهان شاهی - محمدعلی جعفری - مهدی اسفندیار - بهرام حبیبی - محمدعلی مهید - مهدی فتحی - ناصر مؤذن - بار بظواهری - محمد خلیلی - جلال سر فرزند - عباس شاپورین - پرویز رفیعی - یدالله نجفی - زکریا الدین خسروی - محمدعلی خانی - رضا میر فتحی - محمد رضا کلاهدوزان - منوچهر آذری.

بمداز حضور نمایندگان هنرمندان در لانه جاسوسی آمریکا، نامه زیر که توسط آنها هنرمندان پشتیبانی از اشغال جاسوسخانه آمریکا امضاء شده، فرستادند.

همراه با پشتیبانی قاطع مردم ایران از مشی ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی، ما امضاء کنندگان زیر مرانب حمایت و تأیید خود را از اشغال سفارت آمریکا، این لانه توطئه و جاسوسی که بیش از نیم قرن رژیم خونخوار و دمدمش پهلوی را بر مردم ایران تحمیل کرده بود، اعلام و از همه هنرمندان دعوت میکنیم که به این مبارزه ضد امپریالیستی و خلقی بپیوندند و با تمام نیرو در تقویت آن بکوشند.

مهین اسکویی - مسعود کیمیائی - شراره مهرین فر - آرزو - علی شریفیان - مسعود دلخواه - نبی عقل - جنت آفتاب آذری - کاظم بلوچی - هومن آذری کلاه - فریاد مشیری - حسین حیدری - جواد مؤیدزاده - محمد نامی - شریفه بنی هاشمی - کیما هاشمی - داود مسلمی - نبی اسدی - بیژن دادری - حمیدرضا قلیبی - جمشید عبدالیسی - جابر اطاعتی - ارسلان کامکار - اردشیر فهیمی - عباس شادروان - میترادجیمی - باقرزاده - مجید امین مؤید شهاب موسوی زاده - فرهاد ناصح زاده - نیلا امیر ان راهمی

پشتیبانی نویسندگان متعهد از مشی ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی

تاکنون ۴۱ نویسنده، شاعر، مترجم، محقق و روزنامه نگار عضو کانون نویسندگان ایران، در تلگرامی به امام خمینی، رهبر انقلاب، پشتیبانی خود را از مشی ضد امپریالیستی و خلقی امام اعلام داشته و از اشغال سفارت آمریکا حمایت کرده اند.

متن تلگرام با این شرح است،
قیمه دفتر امام - ۱۵ آبان ۱۳۵۸
حضور عالی آیت الله عظمی، امام خمینی، رهبر آورده و در عتبات انقلاب اسلامی ایران، در تأیید سیاست استوار ضد امپریالیستی آن بزرگوار،
در همین بستگی با موج بزرگ و تازه جنبش رهایی بخش ملی ایران که بسا اشغال لانه فتنه انگیزی و جاسوسی سفارت آمریکا از سوی جوانان عزیز و از جمله دانشجوی ما، می رود تا به اوج قله پیروزی برسد.
در همین بستگی با قشرهای انبوه زحمتکش و محروم ایران که انقلاب اجتماعی، استقرار عدل و برابری، و نوبت به حد آورده اند از راه در سایه کارشرف و رابور را دنبال نموده و طبیعتی و ضروری انقلاب سیاسی می دانند،
و به امید آن که خلق قهرمان ایران بسا مجاهدات جانبازانه خود موفق گردد تا استقلال سیاسی، اقتصادی، مالی، نظامی و فرهنگی کشور را به نحو اکمل تحقق بخشد، و در سایه این جنبش استقلال واقعی، حقوق و آزادیهای مدنی و اجتماعی را برای همه افراد مردم و شرکت علی شان را در اداره امور ملی و محلی، بدور از هر گونه تبعیض، تأمین کند،
ما امضاء کنندگان زیر، اعضای کانون نویسندگان ایران اعلام می داریم که صف

منتشر شد:
۱- فیدل کاسترو: ما هرگز به نترسنا و نایم خیاالت نخواهیم کرد (چاپ دوم)
۲- نین دربارہ نقشن در اجتماع - ترجمه، مریم فیروز
۳- گفتار بزرگان در باره زن - گرد آورنده، مریم فیروز
۴- برای متوقف ساختن ترور و سرکوب در عراق - گزارش حزب کمونیست عراق - ترجمه از زبان عربی
از انتشارات حزب توده ایران
ژاک و کولو: آثار شایسته های دیروز و امروز چگونه چپ افراطی آب به آسیاب ارتجاع میریزد

مردم و مردم

تعمیل است. آنها اعتراض کردند که هنوز ساعت ۱۱/۵ نشده است. مسئولان بانک گفتند که کار مراجمان داخل بانک انجام شود، آن پنج دقیقه هم بکشد. در این موقع پاسداری با تفنگ ۳۰۳ خود داخل شد و به باجه ای مراجعه کرد و کاغذی را ارائه داد. کاغذ را هم و امضاء کردند و پاسدار به باجه دیگر رفت و پول خود را گرفت. این تبعیض آشکار، سبب اعتراض آنها شد که پشت در بودند. در راه بازگردند تا پاسدار بیرون برود، چند نفر داخل شدند. پاسدار با چهره عبوس و خشمگین، لوله تفنگ را روبه سینه نخستین نفر گرفت و با لحن تهدید آمیز و زنده ای گفت: «برو بیرون» و چون آن مرد چند لحظه درنگ کرد، سر لوله را بالا گرفت و تیری شلیک کرد و مجدداً سر لوله تفنگ را به سوی مردم برگرداند و همه را از در بیرون کرد. این تیراندازی ناگهانی و بی مورد، همه را به وحشت انداخت و ناراحت کرد.

باید پرسید، چرا برخی از پاسداران که خود باید حافظ قوانین و مقررات باشند، آشکارا آنها زیر پا می گذارند و از اسلحه های که به آنها برای دفاع از انقلاب سپرده شده، برای مقاصد شخصی، سوء استفاده میکنند و تازه طلبکار هم هستند! در زمان طاغوت، اگر سربازی یا پاسداری تیری شلیک می کرد، مجبور بود گزارش علت آنرا همراه با بوقه تفنگ به مافوق خود بدهد. مگر حالا چنین حساب و کتابی کتابی در کار نیست!

مردم: بنظر ما ناراستی فوق و دیگر ناراستیهای موجود در اعمال کمیته ها، که مردم را نسبت به این ارگانهای برآمده از انقلاب بدبین میسازد، رابطه مستقیم با عدم تصفیه آنها دارد. عناصر ضد انقلاب که در همه جا، از جمله کمیته ها نفوذ کرده اند، بطریق مختلف در حرکت حمایت کمیته ها و تضعیف رهبری امام، که مظهر انقلاب عظیم ماست می کوشند. تصفیه کمیته ها، همانگونه که ما بارها تأکید و تصریح کرده ایم به بخش عمده این ناراستیها خاتمه خواهد داد.

هرچگونه نژادان، شکنجه و تبعید نهر اسیده بودند، مواجه شد.

طبیعی است که در چنین شرایطی، بعلمت محدودیت امکانات حزب و فاصله عظیم ۲۵ سال مبارزه در زیر سوزنه خونخوارترین و فاسدترین رژیم جهان، امکان اینکه اینجا و آنجا عنصر نامالی نیز بدرون حزب راه یابد، منتهی نیست. ما از دولت موقت بارها و بارها خواستیم که با انتشار لیست ساواکها، سازمانهای انقلابی را از گزند عملکرد شیطانسی سازمانهای جاسوسی امپریالیستی معسوم دارد و معسوم انقلاب را از دخالت خراب کارانه اعمال جنایتکار ساواک پاک سازد. ولی متأسفانه به این درخواست منطقی و بجای ما و دیگر سازمانها و نیروهای دلسوز و علاقمند به انقلاب، تاکنون ترتیب اثر داده نشده است. در چنین شرایطی وجود و بروز برخی ناراستیها، امری محتمل و گاه ناگزیر است. اما در مورد گروهی دیگر از هواداران حزب که در گذشته مبارزاتی خویش شکات تاریکی بجای نهاده اند و لذتها و اشتباهات کوچکی مرتکب شده اند، ولی می کوشند که با فعالیت و کارآمدی، فرصتی دوباره بیایند و اشتباه گذشته خویش را تصحیح کنند، ما این امکان را از آنها سلب نمی کنیم، ولی طبیعتاً اجازه نمیدهم که تا سهری شدن این آزموون، بعنوان عضو حزب و با تکر و متادای آنها از حزب طبعه کارگر ایران خود را عرصه نمایند. ما نیز با خاتم تا جماعت مسلکی موافقم که شمار، کلمات و سخنان زیبا، بقوی خود و جدا از شخصیت گوینده آنها، برای بیان آرمانهای طبقه کارگر کافی نیست و شهدا را پاروچی که از صافی آزمونهای گذشته و یاغبار تیرگی بر آن نشسته، باید ستود.

سن ف. کارمند سازمانته آموزش و پرورش، طی نامه ای که تحت عنوان «چرا برخی از نمایندگان از رهبری خود سوسر استفاده می کنند؟» برای ما فرستاده، واقعه ای را که خود شاهد آن بوده، برای ما نقل کرده است. اومی نویسد،
«روز پنجشنبه سوم آبان ماه، برای گرفتن حقوق بازنشستگی خود به بانک ملی ایران، شعبه نارمک (شعبه ۱۹۹ نارمک، مقابل تلفنخانه) رفتم. ساعت یازده صبح بود و تا نوبت بهم رسید و پولم را گرفتم، ساعت یازده و بیست و پنج دقیقه شد. در این موقع در راه بستند و به چنگ نرفتی که پشت در بودند، گفته شد که بانک

مراسم بزرگداشت افسران شهید توده‌ای در آبادان برگزار شد

در این مراسم رفیق تقی کی‌منش، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران سخن گفت

برنامه گرامی داشت خاطره افسران شهید توده‌ای روز جمعه ۱۸ آبان با حضور رفیق تقی کی‌منش، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، در سالن دانشکده نفت آبادان، در شهرستان آبادان برگزار شد.

از دو هفته پیش از مراسم سراسر شهر آبادان زیر پوشش پوستری های تهدای توده‌ای، اعلامیه‌ها و دعوت‌نامه و معرفی رفیق کی‌منش قرار گرفت.

در آغاز مراسم پس از خوشامد به اعضا، هواداران و دوستان حزب توده ایران، عید غدیر خم به امام خمینی و همه مومنان مسلمان تبریک گفته شد. سپس با احترام به جانبازی‌ها و دلوری‌های افسران شهید یک دقیقه سکوت اعلام گردید.

افشین شکنجه‌گر ساواک از خود دفاع می‌کند!

سرانجام افشین، شکنجه‌گر معروف ساواک، بدنبال افشاکری روزنامه «مردم» بصدور آمدوسطی اطلاعاتی‌های که زیر پوشش «انجمن ملی دانشجویان تهران» منتشر کرد، بدفاع از خود پرداخت.

در این اعلامیه به روزنامه «مردم» حمله شده است که «روز ۱۲ آبان ماه ۵۸ روزنامه مردم با کینه‌های حیوانی نوشت، افشین، شکنجه‌گر معروف ساواک، در تظاهرات ضد آمریکائی، شاعر ضد شوروی می‌داد.»

در تمام طول برنامه حاضران شمار می‌دادند: «درد و پر کمپته مرکزی حزب ما»، «زنده باد جبهه متحد خلق ماه و خط امام و امت نبرد با آمریکا است.»

دومین شماره رتبا منتشر شد

محاكمه شاه مخلوع بعنوان بزرگترین خائن، بزرگترین جانی و بزرگترین دزد تاریخ ایران باید تدارك شود

محمد رضا پهلوی مجرم است. او باید محاكمه و مجازات شود برای محاكمه او باید اسناد و مدارك جرائم او جمع آوری گردد، تا بر مبنای این اسناد، دادستان تقاضای مجازات نماید. این اسناد می‌بایستی منتشر شوند، در اختیار مطبوعات و رسانه‌های گروهی سراسر جهان، در اختیار کلیه مجامع قضائی و حقوقی بین‌المللی قرار گیرد، تا دنیا بداند که دستگاه تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا و متحدینش، عالمًا و عامدًا در قتل حقایق بسود مجرم واربابش و بزبان انقلاب و خلق ایران کوشا است.

او در مقام عامل سیا و مزدور امپریالیسم آمریکایه ایران، زادگاه خود، خیانت کرده است. او استقلال ایران را در تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی، مالی، بازرگانی و فرهنگی باختونست بسود ارباب آمریکائیش تقبی کرده است. در هر یک از این موارد باید پیوسته جداگانه‌های شامل اسناد خیانت او تشکیل شود. او ذخایر نفتی ایران را به تاراج داده و پولی را که بابت این تاراج به خزانه دولت ایران ریخته شده، بطور عمدتاً به نصرت اسلحه سازی آمریکائی پس داده و ضمن این خیانت دوگانه، خیانت بزرگ دیگری مرتکب شده است. ایران را به پایگاه توطئه و تجاوز امپریالیسم آمریکایی بدل ساخته، ارتش ایران را به ارتش مستعمراتی آمریکا برای سرکوب جنبش آزادیخواهان مردم ایران و دیگر خلیفهای منطقه بدل کرده است. او بخشی از این ارتش را در ایفای نقش ژاندارم منطقه‌ای امپریالیسم برای سرکوب جنبش استقلال خلقی عمان به منطقه ظفار اعزام داشته، تعداد زیادی از جوانان ایرانی را در این «جنگ کثیف» بکشتن داده و خلق بیگناهی را با تشییع و خون کشیده است. او مقسم اسلحه خریداری شده از آمریکا بوده، اسلحه‌های را که با پول ایران خریداری کرده به قافوس (عمان)، پسادات (مصر)، به ملک حسین (اردن)، به ایوب خان و یحیی خان (پاکستان)، به تپو (حکومت سایگون)، به حایله سلاسی (اتویوی) و غیره، بدستور دولت ایالات متحده آمریکا، بخشیده است.

محمد رضا پهلوی، که به وسیله سیا و با بودتای ۲۸ مرداد بر سر کرسی قدرت مطلقه در ایران گمارده شد، ایران را از لحاظ مالی بصورت وابسته به دلار، از لحاظ بازرگانی بصورت خریدار و مصرف کننده، از لحاظ فرهنگی بصورت با مطلق غرب زدگی - رواج تمام جوانب منفی و کثیف زندگی غربی در آورد.

سیاستی را که این خائن در عرصه صنایع، کشاورزی، مالی و بازرگانی پیاده کرد، موجب گردید که مثنی سرمایه‌دار و زمین‌دار بزرگ و وابسته، صاحب‌شهرهای افسانه‌ای شوند و میلیون‌ها مردم زحمتکش پخاک سپاه بنشینند. بی‌مسکن، بی‌پداشت، بی‌غذای کافی، با زحمت شاق شبانه‌روزی، میلیون‌ها انسان شریف با مرگ‌ناشی از فقر در جنگی نابرابر قرار گیرند و همچون برگ‌خزان، بویژه کودکان معصوم، در گورستان بزرگ ایران بریزند.

صدای اعتراض ایرانیان برفراز مجسمه آزادی...



قتل از کیهان - ۲۲ آبان ۱۳۵۸

مردمی ومومن به انقلاب دارند، امیدوار هستیم کمترین آزادی انقلاب با الهام از خواست‌های امام و توده‌های مستضعف، صمیمانه و صادقانه خود را آماده ایفای مسئولیت بزرگ خویش سازند، بدیهی است که اگر شورا همچنان با ترکیب و پیشبرد عملکرد و مثنی گذشته به کار خود ادامه دهد، بسا موقبت روبرو نخواهد شد. از این‌رو اصلاح روش و ترکیب و نحوه عمل پیشین را باید درس‌لوحه دستورکار خود قرار دهد.

امریکا در دادگاه وجدان جهانیان

در آسما و آفریقا کدام کشور را می‌شناسد که از ترس این امر پلوروی جها خود مسون مانده باشد؟ از کودتاها و جنگها گرفته تا رسوایی‌های مالی شرکتهای خپنه‌نهای زمامداران و جنایات سیاسی و اقتصادی و ترورها و تغییر کابینه‌ها و حزب با زبها و جمعیت‌سازها که در نهایت امر، کار چنان بجرمیت و خردت که ماشین سرمایه‌داری آمریکا بهش و بیشتر بچرخد. ملت‌ما که از اعماق فقر و جهل قرون پیدار شده و جنایات آمریکا را با پوست و گوشت خود لمس کرده، اکنون شجاعانه فریاد کرده است که نمی‌خواهد با این قبول

خط امام و مسئولیت شورای انقلاب

اعلامیه‌های جنبش مسلمانان مبارز (۵۸/۸/۱۶) پس از تشریح علل شکست دولت موقت بازرگان در حل و فصل انقلابی‌امور و اشاره به کمبودهایی که در برنامه‌ی اعلام شده‌ی شورای انقلاب وجود دارد، به این نتیجه رسیده است:

- ۴) ایجاد یک جبهه متحد از همه نیروها و عناصر مومن و وفادار به انقلاب و رهبری بمفهوم تضمین وحدت عمل در پیشبرد اهداف فوق.
- ۵) ماجرای طرح‌های ضربتی رفاهی برای حل مسئله مسکن، فقر و بیکاری توده‌ی مستضعف در مناطقی نظیر سیستان و بلوچستان، کردستان و نظایر آن.
- ۶) قبول اصل حق تعیین سرنوشت برای همه اقوام در چارچوب جمهوری اسلامی و اقدام سریع برای رفع بحران از راه‌های سیاسی، سرکوبی عناصر مزدور ساواک، فتودالها و فرصت طلبان در این مناطق.
- ۷) دست زدن به انقلاب فرهنگی از طریق تشکیل شوراهای مردمی در تمامی سطوح و اصلاح برنامه‌های رادیو و تلویزیون و تغییر نظام آموزشی و کمک گرفتن از مردم در اجرای طرح‌های انقلابی و جایگزین کردن ارزشهای نوین انقلابی و مکتبی بجای ارزشهای کهنه استبدادی، سرمایه داری و استثمارداری.
- ۸) با توجه به عدم توجه‌های انقلابی امام و تاکید و توجهی که به خواست توده‌ی مومنین و تاجیک و توجیهی که به خواست توده‌ی مومنین مستضعفان نشان می‌دهند و با توجه به تأییدات قاطع ضد امپریالیستی که مدتها و ابراز داشته و کرا را تأیید کرده‌اند و تا کدی که روی وحدت همه نیروهای

محمد رضا پهلوی جنایتکار است

او بزرگترین جانی تاریخ ایران است. او در سال ۱۳۲۵ بیش از ۲۰ هزار نفر مردم بیگناه آذربایجان را قتل عام کرده. او در همان حال در کردستان به کشتار بی‌امان پرداخته. او در خرداد ۱۳۴۲ بیش از ۱۵ هزار نفر از مردم مبارز مارا به شهادت رساند. او بدنبال کودتای ۲۸ مرداد و برای ایجاد رعب و خفا در ایجاد رژیم امضاء قرارداد با کرسی سویم نفت، ده‌ها افسر مین پرست را تیرباران کرده. او در مدت سلطنت استبدادی خود هزاران نفر از بهترین جوانان ما را در میدان‌های اعدام، در کوچه و خیابان و نیابان و در سبزه‌چاها کشته. او هزاران نفر را زیر شکنجه‌های بهیمی یا کشته و یا مملو کرده. او در جریان انقلاب پیروزنده ما ده‌ها هزار نفر مرد و زن و کودک و سالخورده را در خون فلطانیته است. او از کشتار لذت میبرد است. به زنتش «فریاد» که از دیدن سول خون حالت تهوع باو دست داده، گفته است که، بگذار ادامه دهی تا از «هت‌ماک‌نشود» او از شکنجه لذت میبرد است. با زنتش «فرح» سه بعد از نصف شب از خواب سرخاسته تا «منصوری» را، که زیر شکنجه «ابراز» ندامت کرده بود، تماشا کند. او بدست خود آدم کشته است.

تمام جنایات این جانی حرفه‌ای مبتلا به سادیسیم، باید مستند در فصل جنایتکاری او دقیق و منظم گردآوری شود، تا دنیا بداند او چه حیوان خونخواری بوده و امپریالیسم امریکای چه گرگ‌خون آشامی را بر ملت ایران مسلط کرده‌است.

محمد رضا پهلوی دزد است

او بزرگترین دزد تاریخ ایران است. او از راه خرید اسلحه میلیاردها دلار اختلاس کرده. او از هر کس توانسته رشوه‌های کلان گرفته. او با اعمال زور و قهر و تهدید در انواع موسسات تولیدی، مالی، بازرگانی، مفاطمه کاری رسماً شرکت کرده و از این مرکز و تهرای کلان نامشروع اندوخته. او از طریق هتل‌داری، کاربند و قمارخانه، ایجاد عشرتکده‌های عمومی، زمین‌خواری و هر مجرای دیگری که «پولساز» بوده، میلیاردها بهمیبندیده، که هر یک کاش آفته باشد و خون زحمتکشان از هستی ساقط شده‌ی کشور ماست.

در این رشته عملیات «شاهانه»، تمام افراد خاندان پهلوی با یکدیگر در مسابقه بوده‌اند، اشراف پهلوی، غلام‌رضا پهلوی، محمود رضا پهلوی، شهرام، فاطمه و همه دیگر اعضاء این باندها در قطع الماریت، شغل شریفشان، غیر از فساد اخلاق، دزدی بوده است. باید تمام پرونده‌های دزدی این بزرگترین دزد تاریخ ایران و افراد خاندان «دجلیش» گردآوری بشود و به دنیا ارائه گردد، تا جهانیان بدانند که امپریالیسم آمریکا علاوه بر خائن بزرگ، جانی بزرگ، چه دزد بزرگی را بر پشت حاکم ایران گمارده بوده‌است. محاكمه محمد رضا پهلوی خائن، جانی و دزدی که در تاریخ ایران بی‌همتا و به مقیاس جهانی کم‌نظیر است، بدینسان باید تدارك دیده‌شود.

اخبار کارگری

کارشکنی کارفرما در کارخانه داروسازی عیبدی در اصفهان

پس از انقلاب، دکتر عیبدی، مالک «کارخانه داروسازی عیبدی»، که تا آنوقت با هر گونه حرکت صنفی کارگران مخالفت می‌نمود، ناچار به ایجاد یک «سندیکای دروغین» شد. (این نامی بود که کارگران به سندیکا داده بودند). هر کارگر می‌باید که با نمایندگانش سندیکا یا در حقیقت با نمایندگان کارفرما مخالفت میکرد و به اقدامات ضد کارگری کارفرما و نمایندگان کارفرما اعتراض می‌نمود، تحت عنوان «اخلال در کار» میگردید. تا آنکه کله سبب کارگران از این اخراج‌های ظالمانه برآمد و خواهان برکناری نمایندگان سندیکای قلابی و تجدید انتخابات برای تشکیل شورای واقعی شدند. این اقدام با مقاومت لاجوجانه دکتر عیبدی، که هرگز تحمل هیچگونه حرکت حقیقی‌های را از جانب کارگران ندارد، مواجه شد و اقدام به اخراج کلیه کارگرانی که کمتر از سه ماه استخدام شده بودند کرد. که شامل بیش از صد نفر می‌شود. ولی کارگران یکپارچه مقاومت کردند و خواهان برگشت همه دوستان خود به سرکار شدند. دکتر عیبدی ناچار عقب‌نشینی کرد و حاضر شد کلیه کارگران، بی‌جهت‌تن از آنان را، که از کارگران مبارز و مورد علاقه همکاران خود هستند، به سرکار برگرداند ولی کارگران آگاه این حیل جدید را نپذیرفتند.

زمانی که مردم حق طلب ایران برای رهایی از سلطه امپریالیسم امریکا متفقاً بسیج شده‌اند و برای شکستن محاسره اقتصادی، احتیاج بتولید بیشتر است، دکتر عیبدی با سوءاستفاده از حق مسئولیت‌فنی، کارخانه‌ها را تعطیل و تولید را متوقف کرده و با وارد کردن تهمت‌های ناروا بکارگران شریف برای درهم‌شکستن مقاومت کارگران تلاش می‌کند. یکی از برادران پاسدار (که از ۱۹ آبان در کارخانه مستقر شده‌اند) می‌گفت: بعامی گفتند نیمه شب کارگران بکارخانه آمده و با دادن شمارهای ضد انقلابی در مواد دارو دستکاری می‌کنند و مدیران و مسئولین را تهدید می‌کنند و اخاذی می‌کنند. اما اکنون که چند شبانه‌روز است، ما در اینجا مستقر هستیم، می‌بینیم که همه این حرف‌ها دروغ و باطرا آن بوده که شاید حق می‌گویند.

نماینده کارفرما با نهایت گستاخی در جمع کارگران گفته است: «تمام حرف‌های شما حق است، اما ما احتیاج به کارگر با شومروند و از این ناچاریم این هشت تن کارگر با شعور را اخراج کنیم!» کارگران که با حیل تمطیل کارخانه از سوی دکتر عیبدی مواجه شده‌اند، خواستارند که وزارتخانه‌های بهداشتی، صنایع و معادن و کار مشترکاً مسئولیت اداره را بعهده گیرند و مسئول فنی جدید برای ادامه تولید بکارخانه اعزام‌دارند.

سازمان ایالتی حزب توده ایران در گرگان و دشت ترکمن

طی تکراری پشتیبانی خود دانشجویان مسلمان پیر و خط امام را از موضع ضد امپریالیستی و رادیکال مبارزات امریکا - لانه خلقی امام خمینی، رهبر انقلاب جاسوسان بین‌المللی تأیید کرده ایران، اعلام داشته و عمل انقلابی است.

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران باشد

قطعنامه کارگران: امریکانمیتواند با ملت و کارگران مبارز ایران مبارزه کند



خروش خلق علیه امپریالیسم امریکا هر روز توانایی تر میشود، با هر تهدید امریکا، سره مشتها نیروی بیشتری میگیرد. درست ۱۰ روز از اشغال لانه جاسوسی امپریالیسم بانکی میگذرد و هر روز تعداد کسانی که برای اعلام پشتیبانی یا دانشجویان پیرو خط امام و ایرانزلفت به امریکا به مقابل لانه جاسوسی این کشور می آیند بیشتر و بیشتر می شود.

در این دریای توفان خیز، بلندترین موج از آن کارگران است. گردان کارگران، این صاحبان کار، این دشمنان سرمایه و این ویرانگران بنیاد امپریالیسم در مقابل لانه جاسوسی حضور دائمی دارند.

طبقه قهرمان کارگران ایران، هر روز دهها بار در مقابل لانه جاسوسی دشمن میثاق ادامه نبرد را می بندند.

نماینده گردان عظیمی از کارگران، صبح دیروز در مقابل لانه جاسوسی دشمن گفت:

«ما ثابت خواهیم کرد که امریکا، هیچ وجه توان مقابله با ملت ایران، بخصوص کارگران را نخواهد داشت.»

در دوش گزیده، بدنبال قطع صدور نفت و تهدید جانان جهانی برای محاصره اقتصادی وطن ما، جوش خلق اوج تازه ای گرفت.

نیمه شب پیرشب، وقتی خبر قطع نفت اعلام شد، گروههای وسیع مردم به جانب جاسوسخانه روانه شدند و صدها جبهه گسل و شیرینی بین مردم بخشید. شبی بود زیبا و بزرگ، که از درخشش هزاران چشم و زبان خلق ما، روز بود. روزی مثل روز قرار طاغوت، لبخند و غرور، اشک شوق و شیرینی و مشت گره کرده برای ادامه نبرد.

کارگر جوانی دسته کلش را بسم مردم پیش کرد. بانگهای خندان سینه ستبرش را جلو داد و گفت: «آزاد که فریاد زدیم بعد از شاه نوبت امریکاست می دانستیم که حساب امریکاراهم خواهیم رسید. تاملت با هم متحد است، هیچ نیروئی نمیتواند شکستش بدهد.»

بر اساس گزارش خبرنگاران «مردم»، دیشب هم مردم به نحو بی سابقه ای در مقابل لانه جاسوسی اجتماع کردند و مثل هر شب صدها سر و دوشمار در آمادگاه رزم خلق متولد شد.

خبرنگار «مردم» می نویسد، این روزها شور و هیجان و همبستگی مردم یادآور وحدت و یکپارچگی روزهای اوج انقلاب ایران است. از طلوع صبح تا آخرین ساعات شب هر روز گروههای کثیری از کارگران، ارتشیان، روحانیت مبارز و دیگر گروههای مردم با شور و هیجان در مقابل لانه جاسوسی امریکا گردهم می آیند تا یکصد و شصت و هفت نفر خود را نسبت به امپریالیسم امریکا و دست نشاندهانش ایرانزلفت را در آید.

صبح دیروز (چهارشنبه) نیز میل جمعیت مانند هر روز به سوی جاسوسخانه امریکا در حرکت بود. در ساعت ۱۰ صبح کارگران شرکت سایپا با شمار مرگ بر امریکا به مقابل لانه جاسوسی امریکا رسیدند.

بدنبال کارگران شرکت سایپا گروههای کارگران شرکت تولیدی کوانتایر، شرکت لوله و ماشین سازی ایران، شرکت صنعتی بوتان و کارکنان رنگسازی ایران، با شمار مرگ بر امریکا به خیابان طالقانی رسیدند، این کارگران پلاکاردی را حمل می کردند که بر روی آن نوشته شده بود:

۱- قطع صدور نفت به امریکا سر آغاز مبارزه است. بی ایمان بر علیه امپریالیسم.

۲- هنگام ورود به خیابان طالقانی کارگران شرکت تولیدی کوانتایر پرچم امریکا را به آتش کشیدند که با شمار مرگ بر امریکای مردم همراه بود.

۳- هنگام مستقر شدن در مقر جاسوسخانه امریکا یکی از کارگران قلمنامه ساخت کارگران را خواند، در این قلمنامه از جمله گفته شده بود:

دعه، با هم متحد و متفق باید این راه را به آخر برسانیم.

مبارزه ضد امپریالیستی بالاخص ضد امریکائی

پشتیبانی وسیع توده زحمتکش از اقدامات ضد امپریالیستی امام خمینی نشانه ای است از عزم راسخ زحمتکشان در نابود کردن امپریالیسم

ایرانیان، کشور ما حال هوائی دیگر دارد. در چشمان مردم و در چهره آنان، شور و شغف همانند روزهای انقلاب میدرخشد. در سیمای نجیب زحمتکشان، عزمی توفانی و آهنین جلوه میکند. چهره آرام و استوار اینان در نقطه ای از تهران، در مقابل جاسوسخانه امپریالیسم امریکا، که اکنون ممکن فرزندان راستین ملت شده است و آنها گویی بر آراسته بدینجا کشیده میشوند، انکار یکپارچه آتش و خشم میگرد. مشتها آسمان را شاد می کنند، چشمهاش آرد می بارند و لبها می غرند.

مردم در عین حال بخود می بالند، از غرور آکنده و از اعتماد بنفسی سرشارند. آنها حق دارند به خود ببالند، آخرت امپریالیسم درنده و جنایتکار امریکا به لرزه انداخته اند.

در جلوی لانه جاسوسی امریکا، که اینک اشغال شده است، مرگ امپریالیسم را هزاران دهان فریاد می کنند. اینجا همادگاه هر روزه مردم است. نگاه کنید، اینها گردانهای آهنین کارگرانند، که می گذرند. در پیش پای پرولتاریای ایران، پرچم امریکا را قربانی می کنند و در شعله خشم ملت می سوزانند. پرچمی که سرخی رنگهایش، سرخی وقاحت و لنگه جنایت بردستان جانی است و ستارگانش، بردگان آسیری که طغیان کرده اند.

مردم، هر عمل امپریالیسم تجاوزگر را به سرعت پاسخ میدهند همین دور زویش تفکرات انقلابی، شریان نفت را بروی امپریالیسم نفتخوار بستند و بردهای پاره گو و کستاک اوشت دیگری کوبیدند، که بی گمان آخرین آنها نیز نخواهد بود.

توده ها و رماشهای آتشکین و با قدمهایی مصمم عبور می کنند. آنها روزه دار و گرسنه اند. در جواب به تحریکات و تهدیدهای امپریالیسم و دد اعتراض به آن، روزه سیاسی گرفته اند و این اعتراض در کوتاه زمانی تمامی ایران را در برد و به خارج از کشور نیز گشایند. خبرنگاران «مردم» در دهات دور افتاده، کودکان روستائی را دیده اند که تکه نان را که غذای تمامی روزشان است، سوراخ کرده و به گردن آویخته اند. نفرت از امپریالیسم را تمامی ملت، با پوست و گوشت و خون خود حس می کنند و از نشان دادن آن نیز هیچگونه دردی ندارند.

زحمتکشان در این مبارزه پرشکوه، سازش ناپذیر و بی گریزند. آنها زندگی خود را وثیقه این مبارزه قرارداده اند و بی گمان تا پایان نابودی کامل استیلا امپریالیسم بر کشور ما، از پای نخواهند نشست.

مصاحبه مطبوعاتی سرپرست وزارت امور خارجه

روز ۲۳ آبانماه، ساعت ۱۱:۳۵ دقیقه، در سالن دکتر فاطمی در وزارت امور خارجه، مصاحبه مطبوعاتی آقای دکتر بنی صدر، سرپرست وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با خبرنگاران و نمایندگان مطبوعات و خبرنگاران داخلی و خارجی تشکیل گردید. در این مصاحبه خبرنگار روزنامه «مردم» نیز حضور داشت.

آقای بنی صدر در آغاز جلسه از نمایندگان مطبوعات و خبرنگاران، که بدعوت وزارت امور خارجه در این مصاحبه مطبوعاتی حاضر شده اند، سپاسگزار گردید. دکتر بنی صدر گفت دولت امریکا ده سال است که ادعا میکند با استفاده از سلطه نفت به عنوان اقدام سیاسی مخالف است، اما حال که این عمل بلیغ خود آنهاست، به این اسلحه متوسل شده و خرید نفت را تحریم میکند. یعنی دولت امریکا قوانین را همیشه بنفع خود بیکار میبرد. این فرصت خوبی است برای کشورهای صادر کننده نفت تا با برنامهریزی از نفت برای اقتصاد خود استفاده کنند. مادراین مورد با کشورهای صادر کننده نفت تماس میگیریم.

ما میخواهیم با تمام جهان در حال صلح بسر ببریم و قصد نقض ملت امریکار را نداریم ما نمیخواهیم غرب را از سلطه نفت در منطقه قرار دهیم.

آقای بنی صدر در پاسخ به پرسشها پاسخ دادند. از آقای بنی صدر سؤال شد:

در نامه ای که به اولد هایدنبرگ کل سازمان ملل متحد نوشته اید، یک تعدیلی شده، که واقع بینانه است.

در پاسخ گفته شد: نه این نشود عملی است. ما می گوئیم رسیدگی در مورد شاه را باید بریزید و اگر ثابت شد که شاه مجرم و جنایتکار است، او را بما تحویل بدهید.

در پاسخ به سؤال، در برابر تحریم نفت، که احتمال تحریم اقتصادی را بدنبال دارد، چه اقدامی خواهید کرد؟ آقای بنی صدر گفت: دیگران هستند و می خردند. ما هم در مورد انتقال ذخایر ارزی خود به بانکهای که با روابط

در پاسخ به سؤال، در برابر تحریم نفت، که احتمال تحریم اقتصادی را بدنبال دارد، چه اقدامی خواهید کرد؟ آقای بنی صدر گفت: دیگران هستند و می خردند. ما هم در مورد انتقال ذخایر ارزی خود به بانکهای که با روابط

افراد نیروی هوایی در برابر جاسوسخانه امریکا، امپریالیسم جنایتکار امریکا را محکوم میکنند

بعد از فرات قلمنامه، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، مستقر در لانه جاسوسی یابی برای کارگران فرستادند.

آنکاه کارگران باشند، تحریم اقتصادی، با کوشش کارگران، خنثی باید گردد.

از لانه جاسوسی امریکا دور شدند.

بعد از نماز، جامعه روحانیت و سازمان ملی انتقال خون با شمار

«پاروژسهای امریکا گشته بویران» به مردم پیوستند.

ساعت ۱/۵ کارگران کارخانه آزما پیش رو بدنبال آنها پرسنل نیروی هوایی، که در روزهای اوج انقلاب با از جان گذشتگی و شهامت های خود نقش مهمی در پیروزی انقلاب ایران ایفا کردند، به جاسوسخانه امریکارسیدند.

در هنگام ورود پرسنل نیروی هوایی، مردم با کف زدن و شعار، «درود بر پرسنل نیروی هوایی»، از آنها استقبال کردند.

بر روی چند پلاکاردی که پرسنل نیروی هوایی حمل می کردند، چنین نوشته شده بود:

۱- امپریالیسم امریکا در دنیا نابود باید گردد.

۲- امام را در مبارزه بر علیه امپریالیسم امریکا تنها نخواهیم گذاشت.

۳- پرسنل نیروی هوایی در مقابل لانه جاسوسی قلمنامه ای صادر کردند.

حدود ساعت ۲ کارگران گروه صنعتی به شهر، همراه کارگران کارخانه اتومبیل سازی خاور و ذوب آهن مرکز و با پلاکاردی که روی آن نوشته شده بود:

تحویل شاه خائن فریاد ملت ماست.

رهبری خمینی کلید وحدت ماست.

به مقابل لانه جاسوسی امریکا رسیدند.

این تظاهرات همچنان ادامه دارد.

توده های مستضعف ما هر روز ابعاد گسترده تری بخود می گزیند. مبارزه ای که نخستین چرخه آن توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام منظور تصرف لانه اعمال حاکمیت امریکا بر کشور عزیزمان و همچنین منطقه خاور میانه ایجاد شد و انقلاب را با بهره گیری از انقلابی در دیگر یعنی انقلاب دوم خلق مسلمان ایران علیه امریکای خون آشام، انقلابی که به گفته امام بزرگوار از انقلاب اول است.

سریحا اعلام میکنند که به مبارزه خود ادامه میدهند تا پیروز شویم و پیروز هم خواهیم شد، چرا که در راه بیشتر پیش روی خود نداریم. موفقیت و کسب و تحکیم استقلال خویش و یقینات...

خواست های کارگران در قلمنامه بشرح زیر اعلام شده بود:

۱- معادله ملی کردن سرمایه و صنایع شرکت های متعلق بکشورهای امپریالیستی، بسر کردی امریکا چرا که با اعتقاد راسخ به فرموده حضرت علی (ع) سرمایه های آنها از استثمار و فارتگری مردم، تحت فشار و اختناق طاقت حاصر گردید و باید علیه وار اموال مردم را از حلقه و شومانی بیرون بکشیم.

۲- ما خواهان افزایش و لنو کلیه قراردادهای اسارت بار با امریکا هستیم.

۳- ما خواهان افزایش و مجازات کلیه جاسوسان امریکا اعم از داخلی و خارجی هستیم.

۴- ما خواهان قطع کلیه روابط با امریکا تا استرداد شاه خائن و مجازات او در دادگاه انقلاب اسلامی می باشیم.

آنکاه یکی از کارگران سخنرانی کرد و گفت: ما با گرد هم آیی خود در مقابل لانه جاسوسی ثابت خواهیم کرد که امریکا هیچ عنوان توان مقابله با ملت ایران بخصوص با کارگران ایران را نخواهد داشت.

مبارزه ضد امپریالیستی بالاخص ضد امریکائی

کالای آمریکائی نخریم!...

کنسرو و شکلات آمریکائی نداریم و کالاهای داخلی خود را ترجیح می دهیم. نشان دهیم که هر کالایم باشد، حتی ان ضروری ترین حوائج روزمره خود قادر به اسراف هستیم.

وظیفه انقلاب ما تنها جانین ساختن نظام جمهوری اسلامی بر نظام فاسد شاحتشاهی نبود، که در آن توفیق داشته ایم. انقلاب ما وظیفه ستیز دگرگونی همه ارزشها و بر خورها را نیز برعهده دارد. امپریالیسم امریکای طاغوت دست نشانده اش سالها دراز کوشیدند که به بهای محرومیت میلیونها نفر، برای یک اقلیت مرفه، جامعه معسر، فی بوجود آورند. در این جامعه، که با جامعه محرومان متفاوت بود، ارزشها بر حسب مصرف بهتر و بیشتر تعیین میشد. اکنون باید این میاهای کاذب را درهم شکستیم و جامعه انقلابی خود را با روح فدکاری و پایداری بیشتر از پیش ما نوس و اعتماد سازیم.

ضمناً امپریالیسم امریکا و متحدانش به عیب گمان می بینند که میتوانند ما را در حلقه محاصره اقتصادی خود به زانو در آورند، دوستان انقلاب ما در اردوگاه سوسیالیسم و در کشورهای جهان سوم، برای همه گونه کتک به تشبیت انقلاب ما آمادگی دارند. باید دست دوستان را بشرد.

بقیه از صفحه ۱

تردید نیست که در نبرد با قدرتمندترین امپریالیسم جهان باید نیروی فداکاری و از خود گذشتگی مردم تجلی یابد و به پاسداری انقلاب در آید. باید همه را فراوانی کنیم، تا از انقلابی چون مردمک دیده حراست تعاقب. باید برای همه نوع حرمان و محدودیت، نخوردن، نوشیدن و سختی کشیدن تا مرز شهادت و ایثار، آماده باشیم. آماده باشیم تا هر ضربی دشمن را با ضربی مقابل جواب گوئیم. بعکس گمان دشمن، ما در این آوردگاه دست خالی نیستیم. ما قادریم به دشمن اعمال فشار سیاسی، اقتصادی و اخلاقی کنیم. ما میتوانیم شرف را به بندهیم، چنانکه هستیم. میتوانیم از فرود آمدن هواپیماهای آن و لنگر انداختن کشتیهایش جلوگیری کنیم، چنانکه جلوگیری کردیم. میتوانیم گند او را نخواهیم و گند از کشورهای دیگر وارد کنیم، چنانکه وارد خواهیم کرد. ضمناً میتوانیم خود را بی نیاز از مصرف کالاهای ساخت امریکا نشان دهیم و آنرا تحریم کنیم که باید بکنیم.

امپریالیسم امریکا در سایه های طولانی سلطه استبداد محمدرضا، کوشید تا کشور ما را به بازار